

در برگزاری جشن اول ماه مه (روز جهانی کارگر) در سراسر ایران

# برود میلیونها کارگر قوس مرگ سرمایه داری و سلطه امپریالیسم امریکا بود



میلیونها تن از کارگران میهن ما، روز اول ماه مه، روز جهانی کارگر را جشن گرفتند و قدرت طبقه کارگر را به نمایش گذاشتند. طبقه کارگر میهن ما، همراه با میلیونها زحمتکش و دانشجو، دانشآموز و روشنفکر انقلابی در سراسر کشور در میدانها و خیابانها گرد آمدند و ناقوس مرگ سرمایه داری و سلطه امپریالیسم را به صدا در آوردند. به همین مناسبت به دعوت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در تهران و شهرهای بزرگ ایران مراسمی برپا شد که صدها هزار تن از کارگران، زحمتکشان، پیشموران، دانشجویان و دانشآموزان و روشنفکران انقلابی در آن شرکت کردند. در زیر گزارشی از مراسم سازمان را در تهران می خوانید:  
در صفحه ۱۴

سرمقاله

## دسیسه های امپریالیسم امریکا و بستان و جاسوسان آن دامنه وسیعتری می گیرد ای نابودی سلطه امپریالیسم امریکا متحد شوید

امپریالیسم امریکا در حالی که علیه ایران به تحریم اقتصادی دست زده، با عجله مشغول اعزام نیروها و جنگ افزارهای ضربتی خود به منطقه دریای عمان و خلیج فارس است و در همین حال به سازماندهی عوامل خویش بر ایران پرداخته است. پس از شکست عملیات نظامی امریکا، شواهد حکایت از اقدامات تجاوزکارانه جدید امپریالیسم امریکا دارد.

سایروس ونس وزیر خارجه مستعفی امریکا، در مضاحبه مطبوعاتی خود از احتمال تجاوز نظامی جدید امریکا علیه ایران برده برداشته است! مطبوعات و خبرگزاریها احتمال اشغال مناطق نفت خیز ایران را به عنوان سرآغاز تهاجم همه جانبه امپریالیسم جهانی علیه مردم مبارز ایران گزارش می کنند.  
بقیه در صفحه ۲

فجایعی که بعنوان "انقلاب فرهنگی" صورت گرفت

## اعدام دو تن از انقلابیون اهواز، کشتار زندانیان، شکنجه ها و ...!

این جنایات پی می برند. اعدام دو مبارز انقلابی، ارفقا احمد مودن و مسعود دانیالی که در سحرگاه شب ۱۳ اردیبهشت صورت گرفت، حاجی از تداوم کشتار انقلابیون در اهواز است. این اعدام هاتنها این را بیان میدارد که انقلابیون برای ساختن ایران آزاد و دمکراتیک آماده هرگونه فداکاری و ایثار هستند.

توطئه سرکوب جنبش دانشجویی در سراسر ایران که به قصد ایجاد انحراف در مبارزات ضد امپریالیستی توده ها طرح ریزی شده است، در شهر اهواز چهره های بس ددمنشانه و عمیقاً ضد انسانی و چهره های بی نهایت گریه و نفرت انگیز گرفت. بازداشت و شکنجه، کشتار دانشجویان انقلابی در اهواز همچنان ادامه دارد و روز بروز مردم بیشتر به عمق

## شناسایی و درهم شکستن باندهای سیاه وظیفه انقلابی است

برای اولین بار مقامات امنیتی وزارت کشور طی اجتماعات سازمان های لایحه ای که در سرویس انقلابی بورس می برند محکوم بار تلویزیون در روز پانزشنبه ۱۵ اردیبهشت آنها کمک خواست. با این همه بقیه در صفحه ۳

در دور دوم انتخابات

## از کاندیداهای سازمان مجاهدین خلق ایران فغانه حمایت کنیم!

در صفحه ۳

## صلح در کردستان بنفع زحمتکشان

\* مردم کردستان و هیئت نمایندگی خلق کرد، بارها موضع صلح طلبانه خود را اعلام کرده اند.

پس از شکست نیروهای سرکوبگر در جنگ تحمیلی گذشته و پس از یک دوره آرامش نسبی در کردستان، پس از دفع الوقتها و سیاست های تفرقه افکنانه هیئت ویژه دولت و تلاش همه جانبه خلق کرد و هیئت نمایندگی آن برای رسیدن به صلح عادلانه، اینک بیش از دو هفته است که از هر طرف خلق قهرمان کرد را مورد بورس وحشیانه قرار داده اند.  
بقیه در صفحه ۱۶

## سرکوبگران خلق کرد دشمن همه خلقهای ایران هستند

نامه عده‌ای از کسبه جزء به نشریه "کار"

### اجحاف و سرکوب کسبه جزء و دکه‌داران

● سردبیر محترم نشریه کار، باز این مسئله را خوب توضیح دهید که کی بود جلوی گلوله‌های رژیم منفور ایستاد؟ پس چرا همانهایی که جواب شعار "مرگ بر شاه" را با به گلوله بستن مردم میدادند، همانها آمدند سر کار و به نام اسلام دستورهای رژیم سابق را بر روی ما پیاده میکنند؟ من نام کاسب‌ها و نام نویسندگانشان را ننوشته‌ام چون ماهنوز در همان جاها کاسب هستیم و شاید ما را آزار بدهند.

زحمتکشان می‌اندازند. این سرهنگ ۲ هم به نفع سرمایه‌دارها و تاجران بزرگ و فروشگاه‌دارها برضد ما کسبه جزء و دیگر زحمتکشان که دکه دارند تحریک شده و بر علیه ما اقدام کرد.

ناکبان سرباز و گروهیان دوم حمله‌ور شدند. همان کارها و اقدامات ما موران احق و مزدور سابق را اینها هم مرتکب شدند بدون آنکه فکر کنند بینند با کسی طرفی دارند و غلام حلقه به گوش چه ز الوصفت‌هایی هستند گروهیان دوم به پیراهن فروش کنار خیابان که به یکی دیگر گفته بود نمی‌خواهد جمع کنی حمله‌ور شد. بعد به سرباز گفت بپوش پاسگاه.

پیراهن فروش گفت برای چی؟ سرهنگ ۲ جلو آمد و به گروهیان گفت: "این چی میگه؟" گروهیان گفت: "قلدری می‌کنه."

بعد که سرهنگ به گروهیان گفت "معطل نکن، جمع کن" گروهیان بدون حرف با سه قنداق تفنگ زدند به دهان پیراهن فروش که دهانش پر از خون شد و رفت کلانتری شکایت. در آنجا اینطور جواب گرفت:

برو بی کارت. از کسی می‌خواهی شکایت کنی؟ انجام وظیفه کرده دیگه... "اوهم با دهن خون آلود، بی نتیجه برگشت. بلا اینطوری بکسبه جزء ظلم و اجحاف می‌کنند. به نفع مفتخواران. آنها هم توی این دوره بیکاری ونداری زحمتکشان.

سردبیر محترم نشریه کار. باز این مسئله را به خوبی توضیح دهید که کی بود جلوی گلوله‌های رژیم منفور ایستاد؟ پس چرا همانهایی که جواب شعار مرگ بر شاه را با به گلوله بستن مردم می‌دادند، همانها آمدند سرکار و به نام اسلام دستورهای رژیم سابق را بر روی ما پیاده می‌کنند. من نام کاسب‌ها را و نام نویسندگانشان را ننوشته‌ام چون ماهنوز در همانجاها کاسب هستیم و شاید ما را آزار بدهند.

کاسب‌های مبارز طرفدار فدائیان خلق ایران و کاسب‌های مسلمان طرفدار مجاهدین

کسبه بازار دوم را جمع کنند. چون آنهایی که خون ملت را در شیشه می‌کنند، ارتش و پلیس در اختیار خودشان است، آنها را به جان

که یک سرهنگ ۲ از ماشین جیب شهباز پیاده شد و به گروهیان دوم و سربازی که مسئول بازار دوم هستند دستور داد که بساط‌های

عده‌ای از کسبه جزء و دستفروشان بازار دوم نازی آباد طی نامه‌ای برای نشریه کار نمونه‌هایی از اجحافاتی که به این

زحمتکشان می‌شود، شرح داده‌اند که این نامه را ذیلاً نقل می‌کنیم. پنجشنبه ۲۸ فروردین ۱۳۵۹ ساعت حدود ۱ بعد از ظهر بود

بقیه از صفحه ۱

### دسیسه‌های امپریالیسم امریکا و دوستان و جاسوسان آن

آماده می‌شود و در این راه بیش از هر چیز عمدتاً به عوامل داخلی خود تکیه دارد.

مقابله با اقدامات تجاوزکارانه امپریالیسم امریکا و متحدان داخلی آن بدون اتحاد همه زحمتکشان ایران و همه نیروهای انقلابی و ترقیخواه میسر نیست. اما این اتحاد عمل در حالی که لزوم آن بیش از همیشه احساس می‌شود هنوز در عمل وجود ندارد و همه نیروها ضرورت و اهمیت آن را به یکسان درک نکرده‌اند.

به علاوه در نتیجه فعالیت‌ها و اقدامات نفاق افکنانه حزب جمهوری اسلامی و سایر محافظی که خون شهدای خلق را وثیقه آرمان‌های فرصت‌طلبانه و قدرت طلبانه خود قرار داده‌اند، وحدت توده‌های مردم بیش از همیشه آسیب دیده و در معرض خطرات جدی قرار دارد و همه این مشکلات ادامه مبارزه با امپریالیسم امریکا و متحدان داخلی آن را با موانع جدی روبرو ساخته است.

این محافل به جای مبارزه با امپریالیسم امریکا، دانشجویان انقلابی دانشگاه‌ها را به خون می‌کشند، کارگران بیکار را به گلوله می‌بندند، دستور کشتار زحمتکشان دلیر کردستان را که دشمن آشتی ناپذیر امپریالیسم امریکا هستند صادر می‌کنند، شکار نیروهای انقلابی را رهبری می‌کنند و به جای افشای دسیسه‌های دشمنان مشترک همه مردم، یعنی امپریالیسم امریکا و متحدان داخلی آن، علیه نیروهای انقلابی یعنی سرسخت‌ترین دشمنان امریکا به مهر اقدامی دست می‌زنند و با تبلیغات همه‌جانبه خود نمی‌گذارند مردم دوستان و دشمنان خود را بهتر بشناسند. این محافل از آنجا که مانعی جدی در راه آگاهی مردم و وحدت عمل مردم‌اند و تاکنون بزرگترین ضربات را به مبارزات ضد امپریالیستی مردم وارد ساخته‌اند، چه بخواهند و چه نخواهند، چه بدانند و چه ندانند در خدمت منافع امپریالیسم امریکا و متحدان داخلی آن قرار می‌گیرند.

ما همه مردم مبارز ایران و همه نیروهای انقلابی و ترقیخواه را به وحدت عمل در برابر دشمن مشترک یعنی امپریالیسم امریکا و متحدان داخلی آن دعوت می‌کنیم و بر این واقعیت تاکید داریم که همه آنهایی که از استقرار و تحکیم امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا زیان می‌بینند، همه آنها که در برابر تهاجم نظامی امریکا و متحدان داخلی آن به مقابله برمی‌خیزند، در برابر دشمن مشترک متحد یکدیگرند و ما برای هماهنگی و وحدت عمل همه این نیروها تلاش خواهیم کرد.

هم‌اکنون هلی‌کوپترها و هواپیماهای امریکائی آزادانه در نقاط جنوبی ایران فعالیت دارند و چه بسا که برای فتودال‌ها، خوانین و عوامل مزدور خود که در مناطق جنوبی کشور متشکل شده‌اند به حمل سلاح و مهمات مشغولند. از شواهد چنین برمی‌آید که شبکه وسیعی از فرماندهان ارتش از طریق شبکه‌های جاسوسی امریکا در ایران بطور فعال در جریان اقدامات امپریالیسم امریکا قرار دارند و بطور فعال در کار تدارک و اجرای طرح‌های امریکا هستند.

پس از تهاجم شکست خورده امریکا، فرماندهان ارتش بیدرنگ دستور دادند، اسرار نظامی امریکا که در هلی‌کوپترها جا مانده بود، نابود شود. پس از این تهاجم ستاد نیروهای هراتی طی تلفنگرام شماره ۸-۲/۷-۱۳۰۳ به گردان پدافند زمین به هوای پایگاه یکم به واحدهای مستقر در شهرهای بزرگ دستور می‌دهد که بی‌درنگ همه توپ‌های زمین به هوا و آتشبارهای مستقر در پایگاهها را جمع آوری کنند. این دستور سبب می‌شود که بیشتر فرودگاهها و پایگاههای مهم ایران در شب عملیات "نورسبز" عاری از دفاع ضد هوایی باشند و در خور توجه است که اخیراً مقامات بلندپایه نظامی امریکا فاش کرده‌اند که هواپیماهای امریکایی مستقر در ناوگان امریکا و در دیگر پایگاههای نزدیک ایران، در حال آماده باش بودند تا همزمان با حمله تفنگداران امریکایی به مرکز جاسوسی امریکا فرودگاههای تهران و سایر فرودگاهها و پایگاههای مهم ایران را بمباران کنند تا عملیات بدون مزاحمت‌های احتمالی پایان پذیرد! و باز در خور توجه است که چراغ‌های ورزشگاه امجدیه که در کنار مرکز جاسوسی قرار دارد و گویا به عنوان محل فرود هلی‌کوپترهای امریکایی انتخاب شده بود، در شب عملیات تا صبح روشن بوده است و رادارهایی که می‌توانستند ورود هواپیماها و هلی‌کوپترهای امریکایی را گزارش کنند از یک هفته پیش از کار افتاده بوده و درست در بحبوحه تدارک اجرای عملیات نظامی امریکا بمباران کردستان تشدید می‌شود و بسیاری از هلی‌کوپترها و فانتوم‌های ارتش برای بمباران کردستان و کشتار زحمتکشان کرد به غرب کشور اعزام می‌شوند تا توجیه کافی برای ناتوانی نیروی هوایی در مقابله با این عملیات فراهم آید...

این شواهد نمونه‌های دیگری هستند که به وضوح نشان می‌دهند چگونه امپریالیسم امریکا برای سرکوب مردم ایران تحکیم سلطه خویش و در صورت لزوم به قدرت رساندن دوستان و جاسوسان خود و در راس آن فرماندهان ارتش



در دور دوم انتخابات

### از کاندیداهای سازمان مجاهدین خلق ایران

### فعالانه حمایت کنیم!

مردم آگاه و مبارز ایران!

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران مطابق سیاست خود که تقویت نیروهای دموکرات و انقلابی است، از همه هم‌میهنان آگاه و مبارز دعوت می‌کند با شرکت فعال در انتخابات دور دوم در سراسر ایران با حمایت از کاندیداهای سازمان مجاهدین خلق ایران صف نیروهای مرفی را مستحکم‌تر سازند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران معتقد است در این شرایط حساس که میهنمان با تهدیدات و تجاوزات وسیع امپریالیستی و در رأس آن با دسیسه‌چینی‌های امپریالیسم امریکا مواجه است، موفقیت هر یک از کاندیداهای ترقیخواه در انتخابات مجلس شورای ملی ایران، جنبه مبارزه علیه امپریالیسم امریکا، این دشمن اصلی خلق ما را تقویت خواهد کرد. بگوئیم با شرکت هر چه فعال‌تر در دور دوم انتخابات به‌جای کاندیداهای سازشکار لیبرال و افسراطیون قشری، تا آنجا که ممکن است، کاندیداهای سازمان مجاهدین خلق ایران به مجلس راه یابند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران  
دوشنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۳۵۹

بقیماز صفحه ۱۶

## صلح در کردستان بنفع ...

کردستان را حادثه کرده و به دامنه مخاصمات در سراسر کشور افزوده است. سرکوب خلق کرد هیچ حاصلی جز شکست برای سرکوبگران نخواهد داشت. زیرا مردمی را که به پا خاسته‌اند در هیچ جای دنیا نمی‌توان به زور توپ و تانک و بمباران از پای درآورد.

مردم کردستان و هیئت نمایندگی خلق کرد، بارها موضع صلح طلبانه خود را اعلام کرده‌اند. مردم کردستان زیر رهبری هیئت نمایندگی خلق کرد برای دستیابی به صلح عادلانه می‌جنگند و مکرراً اعلام داشته‌اند که تا دستیابی به مطالبات خود در چارچوب ایران آزاد و دمکراتیک تا به آخر به مبارزه ادامه خواهند داد.

قهرمانی‌ها و حماسه‌های غرورآفرینی که پیشمرگه‌های کرد و تمامی مردم کردستان در سرکوب اخیر از خود نشان دادند، یک بار دیگر اثبات کرد که پیروزی از آن خلقهاست و شکست، سرنوشت محتوم سرکوبگران است.



در بهار ۵۸ مردم سنندج و گنبد و سپس در مرداد ماه سال گذشته سراسر کردستان را به خون کشید و حالا نیز گشتار مردم سنندج و بمباران سراسر کردستان را آغاز کرده است. این ارتش هیچوقت نشد که علیه یک دولت خارجی بجنگد. همیشه هم ادعا دارند که وظیفه ارتش دفاع از مرزها و استقلال میهن است! اینجوری از مرزها و استقلال میهن دفاع می‌کنند!

هلی‌کوپترهای ارتش بین راه سقز به بوکان یک مینی‌بوس مسافربر را به رگبار گلوله و راکت می‌بندند. ۷ نفر از مسافران را کشته و ۲۵ نفر را زخمی می‌کنند. هنگام گشتار این مسافران، خلبان‌ها بوسیله بی‌سیم باهم تماس گرفته و یکی می‌پرسد: "اینها پیشمرگ نیستند مسافرنده. آنها را بزنم؟" که دیگری جواب می‌دهد: "بزن. فرقی نمی‌کند!" این مکالمه را مردم از طریق رادیو شنیده‌اند.

این تنها گوشه‌ای از جنایت فرماندهان ارتش جمهوری اسلامی ایران در کردستان است.

سرکوب خلق کرد تنها مسئله

بر علیه مردم ما جنگیده است. در سال‌های ۳۱-۳۲ هزاران نفر از مردم را کشت و برضد حکومت ملی مصدق کودتا کرد، در ۱۵ خرداد ۴۲ هزاران نفر را گشته است. در سال‌های قیام ۵۶-۵۷ دهه‌ها هزار نفر از هموطنان را کشتار کرد. در سالهای قیام هیچ شهری نماند که ارتش در آن مرتکب جنایت نشده باشد در روزهای قیام مردم و همافران مبارز و صدها نفر از بهترین فرزندان خلق را به خاک و خون کشید،

ساختن آنها منتهای کوشش را به عمل آوردند. آنچه اهمیت دارد این است که اقدامات انقلابی علیه این باندهای سیاه‌ناباید رودروشی‌های جبهه‌ای و خیابانی کشیده شود تا عده‌ای عناصر ناآگاه نیز بدون توجه به عمق قضیه به حمایت از آنها برخیزند و به درگیری‌های خیابانی کشیده شوند و ناخواسته به گسترش عملیات فاشیستی یاری رسانند که این خود بزرگترین هدف همین گروه‌های چماق‌دار است!

## شناسایی و درهم شکستن ...

بقیماز صفحه ۱

حمایت و پشتیبانی قرار می‌گیرند. روزنامه جمهوری اسلامی هر زمان که این دار و دسته‌ها به اجتماعات فدائیان و مجاهدین و دیگر نیروهای انقلابی یورش می‌برند فوراً با تیتیر درشت می‌نوشت:

"مردم به فدائیان حمله کردند" و رادیو تلویزیون نیز به دروغ‌پردازی و جعل حقایق می‌پرداختند و از این دارودسته با عنوان مردم و بنام مردم حمایت می‌کردند.

با اینهمه به اعتقاد ما پی‌گیری سیاست شناسایی و مجازات گروه‌های فشار و باندهای سیاه، امری است که مورد حمایت همه مردم ایران و تمامی سازمان‌های سیاسی و ضدامپریالیست و انقلابی است. این گروه‌ها و باندها تاکنون ضربات جبران‌ناپذیری به مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک مردم میهن ما وارد آورده‌اند و دیگر نباید اجازه داد همچنان به یکه‌تازی‌های خود ادامه دهند.

حالا دیگر ماهیت این باندهای سیاه و گروه‌های چماق‌دار برای همه مردم روشن شده است. حالا دیگر همه مردم می‌دانند که اینها از مردم نیستند بلکه بازماندگان همان چماق‌داران سابق هستند که توسط دشمنان انقلاب، توسط عوامل رژیم گذشته، علیه مردم و علیه انقلاب سازماندهی شده‌اند. اما ۱۵ ماه است که به نام مردم، دولت از آنها پشتیبانی نموده و هنوز هم حزب جمهوری اسلامی آنها را از زیر چتر حمایتی خود رها نکرده است.

در روزهای اخیر این باندهای فشار جنایتکاری خود را به حد اعلای خود رساندند. این جنایتکاران در فجایعی که اخیراً در دانشگاه‌های کشور اتفاق افتاد بیشترین نقش را داشتند و بیشترین جنایات را مرتکب شدند.

وظیفه‌ی همه نیروهای انقلابی و ترقیخواه است، وظیفه‌ی هر فرد مبارزی است که این باندهای جنایتکار را شناسایی کرده و در متلاشی

گروه‌های مهاجم مانند پانزده ماهی که از قیام گذشته است بدون هرگونه ممانعتی زیر پرچم "حزب فقط حزب الله" به اجتماعات اول ماه مه که توسط سازمان ما و مجاهدین خلق برگزار شده بود، حمله کردند و گروه‌های زیادی از مردم را مجروح کردند. اما مهاجمان که نتوانستند اجتماع فدائیان را برهم زنند، پس از آنکه تعدادی را در میدان آزادی زخمی کردند به مردمی که از میتینگ برمی‌گشتند، در کوچه و خیابان حمله آوردند و فجایع تازه‌ای آفریدند. امروز مهاجمان "حزب‌الله" کار را به جایی رسانده‌اند که آشکارا، هر ساعتی که بخواهند در کوچه و خیابان معترض مردم می‌شوند، به آنها توهین می‌کنند، محیط رعب و اختناق می‌آفرینند، به کتابفروشی‌ها حمله می‌کنند و کتاب‌ها را به آتش می‌کشند و حتی به خانه‌های مردم شبخون می‌زنند و ...

تازه برای اولین بار است که وزارت کشور پی می‌برد که اینان از شمار مردم نیستند!

آقای رئیس جمهور به صرافت می‌افتند که برای حفظ ثبات و حیات سیاسی خود دیگر لب فرو نیندند و حقیقت را با مردم در میان بگذارند رئیس جمهور گفت:

"چماق‌داران دست از حمله آوری بردارند و اگر برنداشتند قوای انتظامی به وظیفه خطیر خویش عمل کند."

و در همانجا افزوده است: "این پذیرفته نیست که پس از ۱۵ ماه حمله آوری مستمر هنوز شناخته نشده باشند."

مدتی است که تمامی رهبران این گروه‌های فشار و باندهای جنایتکاری که تاکنون دهها انقلابی را به شهادت رسانده‌اند، شناخته شده‌اند. این گروه‌ها با حمایت‌هایی که تاکنون از آنان صورت می‌گرفت در پناه قانون جمهوری اسلامی بودند و هم امروز نیز از جانب محافل قدرتمند نزدیک به شورای انقلاب و روحانیون دارای نفوذ مورد

# گسترده باد همگامی و همکاری همه نیروهائی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می‌کنند

## مبارزه و مقاومت

# درس بزرگ تاریخ جنبش دانشجویی ایران

( قسمت دوم )

در سال تحصیلی ۴۷-۴۶ نمایانگر رشد سازماندهی مبارزات دانشجویی بود، در این سال دانشگاه‌های سراسر ایران همزمان بدل به صحنه مبارزات پرشکوه دانشجویان شد. شعارهای مترقی بر در و دیوار دانشگاه‌ها نمایان شدند. کلاس‌ها برای مدتی بسته شدند و دانشجویان تظاهرات خیابانی وسیعی به راه انداختند. شعار "اتحاد، مبارزه، پیروزی" در این سال در خیابان‌ها طنین انداخت و پلیس ضدخلفی برای سرکوب مبارزات دانشجویان وارد عمل شد. موج دستگیری، اخراج، شکنجه و حتی ترور دانشجویان بار دیگر بالا گرفت و عده کثیری از دانشجویان انقلابی یا روانه زندان شدند یا جهت خدمت سربازی به پادگان‌ها اعزام شدند و

اعتصابی گونی بافی شاهی برخاستند. دانشجویان فنی تهران طی تظاهراتی از مبارزات کارگران ایران حمایت کردند. دانشجویان اهواز در محلات فقیرنشین از جمله در لشکر آباد میتینگ‌هایی برپا داشتند و دانشجویان تبریز در مراسم سوگواری کارگر شهید صالح جهانی شرکتی فعال نمودند و به این ترتیب جنبش دانشجویی در پیوند با مبارزات توده‌ای هر روز گام‌های بلندتری برمی‌داشت. رژیم در این سال‌ها به شیوه‌های مختلف سرکوب، ارباب، تهدید، ترور و زندانی کردن دانشجویان دست می‌زد و یکی از شیوه‌های سرکوبش تعطیل کردن دانشگاه‌ها بود. رژیم با پیش گرفتن سیاست تعطیلی دانشگاه‌ها می‌خواست از طریق پراکنده کردن

با شروع اصلاحات ارضی در ایران مبارزات دانشجویی برای دادن آگاهی به توده‌ها در جهت شناساندن ماهیت اقدامات رژیم و افشای سیاست‌های جدید امپریالیستی برای زحمتکشان گسترش یافت. دانشجویان انقلابی به مردم می‌گفتند: اصلاحات ارضی‌ای که به دست یک دیکتاتور صورت می‌گیرد، به خاطر تامین منافع دهقانان زحمتکش نیست بلکه بخاطر گسترش تسلط آمریکا بر میهن‌مان است. در این سال مبارزات توده‌ها علیه امپریالیسم گسترش یافت. دانشجویان در قیام خونین ۱۵ خرداد ۴۲ شرکتی فعال داشتند و با شعار "شاه‌جلاد و خون آشام خون خلق را می‌ریزد" در صفوف اول تظاهرات وسیع خیابانی سینه‌های خود را آماج گلوله‌های مزدوران شاه کردند. در این زمان شعار "مرگ بر شاه" از مدتها قبل توسط دانشجویانی که در گروه‌های کوچک و مخفی دانشجویی فعالیت‌های سیاسی خود را پیش می‌بردند مطرح شده بود که طی تظاهرات موضعی خیابانی آن را به گوش مردم می‌رساندند. قیام پرشکوه توده‌های شهری توسط ارتش ضدخلفی به خون کشیده شد و خلق به پا خاسته ما با بجا گذاشتن هزاران شهید برای مدتی عقب نشینی کرد. با سرکوب قیام توده‌ها و تسلط کامل امپریالیسم بر میهن‌مان تغییراتی در رهبری جنبش دانشجویی به وجود آمد. رهبری جنبش دانشجویی تا سال ۴۲ با جبهه ملی بود که از آن به بعد هم‌زمان با ورشکستگی سیاست‌های بورژوازی ملی‌در سطح جنبش توده‌ها. رهبری بورژوازی جبهه ملی در جنبش دانشجویی نیز تضعیف شد و از این سال به بعد سمت ضدامپریالیستی مبارزات آشکار و پنهان توده‌ها و بخصوص دانشجویان تقویت شد و جنبش دانشجویی سازماندهی جدیدی یافت. از این سال تا سال ۴۴ رفیق بیژن جزئی همراه با دانشجویان مبارزی که سیاست صبر و انتظار جبهه ملی را محکوم می‌کردند و معتقد به ادامه مبارزه بودند به تشکیل سازمان دانشجویان وابسته به جبهه ملی ایران اقدام کردند. این سازمان با انتشار نشریه "پیام دانشجو" کوشید پرچم مبارزه دموکراتیک را افراشته نگاه دارد. اما سرانجام کمیته مرکزی این سازمان به اتهام "تحریص مردم به مسلح شدن و دفاع از مبارزات خلق ویتنام بازداشت و به زندان محکوم شدند. در سال‌های بعد تظاهرات دانشجویی از صحن دانشگاه‌ها به محلات کشیده شد و گروه‌های مبارز دانشجویی با اعتصابات کارگران و زحمتکشان بیش از پیش همراهی را آغاز کردند. از جمله دانشجویان تظاهراتی در میدان شاه و خیابان شاهپور تهران به راه انداختند و شعار "مرگ بر شاه جلاد" را هرچه پرصلاحت‌تر به زبان آوردند. تظاهرات موضعی از ابتکارات خود سازمان‌های دانشجویی بود که در پیشبرد مقاصد انقلابی‌شان کمک‌های شایانی به آنها می‌نمود. دانشجویان مسیرهای تظاهرات را خیابان‌های پرجمعیت انتخاب می‌کردند و تا رسیدن پلیس و گروه‌های ضربت حرف خود را به گوش مردم رسانده پراکنده می‌شدند. نمونه‌هایی از این تظاهرات در دست است که توده‌ها به دانشجویان پیوسته و همصدا با آنان شعارها را تکرار می‌کردند. در این سالها دانشجویان بابل‌سرا به پشتیبانی از کارگران

رهبری جنبش دانشجویی تا سال ۴۲ با جبهه ملی بود که از آن به بعد هم‌زمان با ورشکستگی سیاست‌های بورژوازی ملی در سطح جنبش توده‌ها، رهبری بورژوازی جبهه ملی در جنبش دانشجویی نیز تضعیف شد.

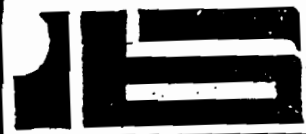
پا از دانشگاه‌ها اخراج گشتند و ایتبار شعار "دانشجویان را آزاد کنید!"، "زندانیان سیاسی را آزاد کنید!" در و دیوار دانشگاه‌ها و حتی شهر را پوشاند و رژیم تحت فشار جنبش دانشجویی عقب‌نشینی‌هایی کرد و دانشجویان توانستند علاوه بر به دست آوردن بسیاری از امکانات رفاهی خود شعارهای مترقی را در میان مردم مطرح کنند. روحیه مبارزاتی توده‌ها را بالا برد و سیاست‌های ورشکسته رژیم را در سرکوب مبارزات به نمایش گذارند. در این سال همکاری مردم کوچه و بازار با دانشجویان چشمگیر بود. آنها دانشجویان را در خانه‌های خود پناه می‌دادند. برایشان نان و آب و غذا می‌بردند و دانشجویان انقلابی را در پیشبرد مبارزه خود راسخ تر می‌کردند. در این سالها دانشجویان علاوه بر فعالیت‌های سیاسی گسترده، جهت نزدیکتر شدن به توده‌ها در عملیات عمران و آبادی مناطق فقیرنشین شرکتی فعال داشتند. در این حرکت‌های توده‌ای، مردم زحمتکش ما می‌دیدند که دانشجویان انقلابی چگونه موانعی را که حکومت سرمایه‌داران می‌خواست بین پیوند دانشگاه و مردم زحمتکش ایجاد کند یکی بعد از دیگری از سر راه برمی‌داشتند و مصمانه در جهت آگاه کردن توده‌ها به منافع طبقاتی خودشان پیش می‌رفتند.

در سال ۴۸ اعتصابات عظیم اتوبوسرانی در تهران به راه افتاد. در این سال توده‌ها فریاد اعتراض خود را علیه سیاست دولت در مورد افزودن قیمت بلیط اتوبوس بلند کردند و بار دیگر دشمنی آشفتی ناپذیر خود را با رژیم شاه و سیاست‌های ضدخلفی آن به نمایش گذاشتند. در این مبارزه وسیع توده‌ای، دانشجویان بار دیگر نشان دادند که چگونه همیشه و در همه حال دوشادوش و پیشاپیش مبارزات زحمتکشان حرکت می‌کنند. ادامه دارد.

سازمان‌های دانشجویی به تکامل جنبش دانشجویی لطمه بزند و پیوند جنبش دانشجویی و جنبش توده‌ای را بگسلد. اما سازمان‌های دانشجویی در خارج از دانشگاه سیاست پیوند با توده‌ها را پیش بردند و از جمله کارهای توده‌ای که کردند بزرگداشت مراسم چهلم تختی بود که در سال ۴۶ با شعار "زحمتکشان بدانید تختی شهید گشته" و "دروغ بزرگ سال، خودکشی قهرمان" صورت گرفت و ده‌هزار نفر از مردم تهران را برای برپائی چنین مراسمی زیر این شعار بسیج کرد. زحمتکشان ما چنین فعالیت‌هایی را از دانشجویان به یاد داشتند، آنها به یاد داشتند که دانشجویان در کمک‌رسانی به مردم خسارت دیده از زلزله بوئین‌زهرها در سال‌های قبل چه تلاش‌های بی‌وقفه و صمیمانه‌ای داشتند به یاد داشتند که در آن سالها تختی به کمک دانشجویان در سازماندهی کمک‌رسانی به مردم آن منطقه چه فعالیت‌های تحسین‌انگیزی داشت. زلزله بوئین‌زهرها که هزاران نفر از هم‌میهنان زحمتکش مارا به کام مرگ فرو برد فعالیت بی‌دریغ و شبانه‌روزی دانشجویان انقلابی را در خاطر توده‌ها ثبت کرد. مردم با چنین خاطراتی از تختی و دانشجویان در برپائی هرچه باشکوه‌تر چهلم تختی شرکت کردند.

در سال ۴۷ به دنبال جنگ ژوئن ۶۷ در خاور میانه و اشغال سرزمین‌های عربی به دست اسرائیل، دانشجویان به همراهی مردم نفرت خود را بر علیه رژیم متجاوز اسرائیل و صهیونیسم و همکاری شاه با صهیونیست‌های اسرائیل اعلام داشتند بطوری‌که در جریان مسابقات فوتبال بین تیم‌های ایران و اسرائیل شعار "بنا بود اسرائیل" در میدان مسابقه اسرائیل، درود بر فلسطین" در میدان مسابقه طنین انداخت و دفتر هواپیمائی اسرائیلی ال عال توسط دانشجویان به عنوان اعتراض به آتش کشیده شد. اعتصابات سراسری دانشجویان

پیروزی باد جنبش انقلابی دانشجویی سنگر دفاع از آزادی‌های دموکراتیک



## مبارزه کارگران کفش ملی برای حفظ حق ۴۰ ساعت کار در هفته

را از اول اردیبهشت ماه به اجرا در می‌آورد. که باردیگر با مخالفت کارگران مواجه شد. مهاجرانی در یکی از جلسات شورای هماهنگی گفته بود که از اول اردیبهشت ماه این بخشنامه را اجرامی‌کنم و خودم کلت می‌بندم و

تأمین حق ۴۰ ساعت کار در هفته و تعطیل پنجشنبه‌ها یکی از نتایج مبارزات کارگران و کارکنان گروه صنعتی کفش ملی بود. ولی علیرغم این دستاورد مبارزاتی کارگران، آقای مهاجرانی رئیس هیئت مدیره دولتی، به پیروی از سیاست‌های ضدکارگری دولت، همواره سعی داشته است که این دستاورد کارگران را زایل کند. ولی اقدامات او در مقابل اراده کارگران و کارکنان مبارز کفش ملی تاکنون به نتیجه نرسیده است. مهاجرانی در بهمن ماه گذشته می‌خواست با اضافه کردن یک ساعت کار در هر روز میزان کار در هفته را از ۴۰ ساعت به ۴۵ ساعت برساند. که این طرح در اثر مقاومت کارگران به شکست انجامید. ولی آقای مهاجرانی از ادامه توطئه چینی‌های ضدکارگری دست نکشید و علیرغم آن شکست اعلام داشت که بعد از عید اینکار را خواهد کرد و در فروردین ماه باردیگر این مسئله را بدینصورت طرح کرد که:

پاسدار می‌آورم و هر طور شده اجرایش می‌کنم. روز اول اردیبهشت به سرویس‌ها دستور می‌دهد که به جای ساعت ۲- (که ساعت تعطیل کار بود) سرویس‌ها برای بردن کارگران ساعت ۳ بیایند، در این موقع همه کارگران متحداً اعتراض می‌کنند و در محوطه کارخانه جمع می‌شوند. وقتی مهاجرانی می‌آید که مسئله را آنطور که خودش می‌خواست طرح و حل کند کارگران به او اجازه عوامفریبی نمی‌دهند و با افشاء طرح ضدکارگری‌اش

او را از محوطه کارخانه بیرون می‌کنند و سپس در ساعت ۲ (مثل همیشه) کارخانه را ترک می‌کنند. هرچند کارگران و کارکنان کفش ملی فاقد شورایی هستند که نماینده واقعی‌شان باشد با وجود این کارگران (علیرغم تزلزل شورای فرمایشی) به

۴۰ ساعت کار در هفته  
خواست همه زحمتکشان است.

عوامل ضدکارگر فرصت بهره‌برداری از این امر را در جهت زایل کردن دستاوردهای مبارزاتی‌شان ندادند و به این ترتیب کارگران و کارکنان مبارز کفش ملی باردیگر نشان دادند که از دستاوردهای مبارزاتی‌شان متحد و یکپارچه و فعالانه دفاع می‌کنند. کارگران پس از افشاء وبی‌اثر کردن این طرح ضدکارگری باردیگر تاکید کردند که ۴۰ ساعت کار در هفته نتیجه مبارزه خود ماست و ما متحدان آن را حفظ می‌کنیم

## اقدام انقلابی

## نشورای کارخانه قند ارومیه

مهندس زارع را به دلیل اخلاقی در امور شورا از کارخانه اخراج کرده است. رئیس کارخانه عنصری ضد کارگر بود و در مقابل ملی شدن کارخانه کارشکنی و اخلاقی می‌کرد و همچنین قصد داشت کارخانه را مهور موم کرده و تعطیل نماید اما تمام توطئه‌های او در اثر هوشیاری و قاطعیت کارگران مبارزه شکست انجامید. مهندس زارع نیز که از کارخانه اخراج شده ماهی ۳۰ هزار تومان حقوق دریافت می‌کرد و کاری جز

کارخانه قند ارومیه متجاوز از ۱۰۰ کارگر دائم و ۳۰۰ کارگر فصلی دارد. شورای کارخانه (که عمدتاً از نمایندگان واقعی کارگران تشکیل شده است) با برخورداری از حمایت فعال کارگران توانسته است در جهت منافع کارگران گام‌های بزرگی بردارد. در روزهای اخیر شورای کارخانه، رئیس کارخانه قند ارومیه (فرهمنند) را از ریاست معزول کرده و به سمت حسابداری کارخانه منصوب نموده است و همچنین فردی به نام

اخلال و کارشکنی بر علیه شورا نداشت. از دیگر اقدامات انقلابی شورا، ملی کردن کارخانه قند حاج طرخانی (در خوی میانه و ارومیه) بوده است. شورا در گذشته نیز با اتکال به پشتیبانی قطعنامه کارگران توانست بسیاری از سیاستهای ضدکارگری ادارات و استانداردهای آذربایجان غربی را افشاء نماید. که این افشاهای در ارتقاء سطح آگاهی کارگران و تحکیم اتحاد آنان حول شورا تأثیر فراوانی داشته است.



## توطئه کارفرما برای اخراج کارگران

آنچه که در زیر می‌آید نامهای است از یکی از کارگران مبارز و آگاه کشف در خصوص اخراج ۱۴ نفر از کارگران کشف تریکونوبل من یکی از کارگران کشف تریکونوبل هستم ۶ سال است که شب و روز در این کارگاه کار کرده‌ام. کارفرمای ما فردی است عوام فریب که همواره سعی داشته و دارد که خود را فردی متدین و خدانشناس معرفی کند مثلاً در ماه رمضان پارسان به کارگران گفته بود که اگر نماز نخوانید و یا روزه نگیرید شما را از کارخانه اخراج می‌کنم. این کارفرمای ضدکارگر از اواخر سال ۵۸ سعی در اخراج ۱۴ نفر از ما را داشت که این توطئه را توانست در عید ۵۹ عملی کند. بعد از عید ما نماینده خود را به وزارت کار فرستادیم که موضوع اخراج و کم و کیف وضع ما به اطلاع وزارت کار رسید. پس از یک هفته که از کارفرما خبری نشد رفتیم به کمیته مرکزی. کمیته مرکزی هم به ما جواب درستی نداد. بعد رفتیم به منزل کارفرما که نتوانستیم آنجا پیدا کنیم. کارفرما که از موضوع مراجعات و پیگیری ما مطلع شده بود چند تن از اوپاش را برای مقابله با کارگران اجیر کرده و در یکی

از روزهایی که منتظر او بودیم تا با او صحبت کنیم این اوپاش بر سر ما ریختند و ۴ تن از کارگران را مجروح کردند ما سپس از طریق سندیکای بافنده سوزنی اقدام کردیم که نمایندگان از سندیکای و همچنین از کارگران اخراجی بروند با کارفرما صحبت کنند تا مسئله حل شود. ولی کارفرما با بی‌شرمی و تزویر ادعا کرد که "من تمام مزایا و حقوق اخراجی کارگران را قبلاً پرداخته‌ام". حال اینکه این ادعای واهی از اساس دروغ و باطل است. از نشریه محترم و انقلابی کار تقاضا داریم که این نامه را به چاپ رساند تا برای مردم میهن بهتر ثابت شود که چگونه طبقه سرمایه‌دار عامل اصلی اخراج کارگران و توطئه‌گر اصلی در دامن زدن به مسئله بیکاری و فشار اقتصادی موجود است. این توطئه کارفرمای ضد کارگر کارگاه نوبل، بیانگر جزئی از توطئه‌های هرروزه کارفرمایان و بطور کلی طبقه سرمایه‌دار ایران است در جهت به شکست کشاندن مبارزات انقلابی طبقه کارگر ایران.

(کارگر کشف تریکو نوبل)

## توضیح و تصحیح

در ویژه نامه اول ماه مه "کار" در مقاله "اول ماه مه ۱۳۵۹" آمده است که "اول ماه مه... را در شرایطی برگزار می‌کنیم که جنبش انقلابی دانشجویی که جزئی از جنبش کمونیستی ایران است... با پوزش بدین ترتیب تصحیح می‌شود: "اول ماه مه... را در شرایطی برگزار می‌کنیم که بخشی از جنبش انقلابی دانشجویی که جزئی از جنبش کمونیستی ایران نیز هست..."

## فاجعه‌ای که بعنوان "انقلاب فرهنگی" در دانشگاه اهواز اتفاق افتاد

● کشتار وحشیانه دانشجویان در زندان اهواز حتی در ضد مردمی ترین رژیمهای تاریخ نیز بی سابقه بود ●  
● در دانشگاه پاسداران جلوی چشم دانشجویان کلت را روی شقیقه یک دختر قرار دادند و شلیک کردند

جلوی گلوله‌های پاسداران عقب نهسته و به حوالی بیمارستان گلستان در محوطه دانشگاه رسیده بودند. دختری را متوقف می‌کنند و کلت را به شقیقه‌اش گذاشته و شلیک می‌کنند. این صحنه برای شاهدان چنان غیرمنتظره بوده که دچار حالت تهوع شده و برخی شوکه می‌شوند. دستگیری همراه با حرکات وحشیانه انجام می‌گیرد. دستگیرشدگان را سوار ماشین کرده و با کتک و فحاشی به زندان می‌برند. در چندین مورد حمله و تجاوز به دختران انجام می‌گیرد و تاکنون جسد سه دختر را از رودخانه کارون بیرون کشیده‌اند. بیش از ۷۰ نفر زندانی و چند صد نفر زخمی و دهها شهید نتیجه انقلاب فرهنگی‌ای است که همراه انداخته‌اند. اکثر شهدا دانشجویان دانش آموز و عناصر مترقی هستند که به ضرب گلوله قتل، چاقو و ... شهید شده‌اند. جنایتکاران بعضی از این شهدا را به نام شهدای خود به خاک سپرده‌اند و در مورد بقیه هم اصلاح‌حبتی نمی‌کنند. در طی این هفته مقاومت دانشجویان و دانش آموزان و دیگر نیروهای انقلابی چه در زندان و چه خارج از آن، حماسه آفرین و شورانگیز بوده است. بسیاری از تیرخورده‌های زندانی، شعارهای ضد امریکائی و شعار "اتحاد، مبارزه، پیروزی" را هرچه پرصلابت‌تر سر داده‌اند. زندانیان پرشور دست به اعتصاب غذا زده‌اند. آنها در زندان‌ها شعار می‌دهند، مقاومت می‌کنند و به آرمان‌های خود دلاورانه وفادارند. مقاومت زندانیان، ابعاد گسترده و بی سابقه جنایت باندهای سیاه را بیشتر آشکار کرده است. عده بسیار زیادی از زندانیان را در زندان شکنجه کرده‌اند. بیش از ۳۰ زندانی راه شدت شلاق

تخت‌هایشان پائین کشانده بودند. بلافاصله بعد از تیراندازی پاسداران، دستگاه‌های تبلیغاتی رادیو نیز دست به تهبیح وسیع مردم می‌زند. رادیو اهواز اعلام می‌کند که دانشجویان با تیربار به صفوف نمازگزاران حمله کرده‌اند و پیام جنتی را می‌خواندند که از مردم اهواز کمک می‌خواهد. گروهی که از قبل سازمان داده شده بود با استفاده از شلوغی محیط عکس‌های منحوس شاه و فرح، راه‌داخل ساختمان پیشگام می‌آورند و جنتی و غرضی به

"اتحاد مبارزه پیروزی" که در دانشگاه طنین انداخته بود این امر را تأیید می‌کرد. جنتی جمعیتی را با خود به دانشگاه آورد که هم شامل عده‌ای از مردم بی‌خبر می‌شد که واقعا فکر می‌کردند دانشگاه تخلیه شده و آنها برای نماز به آنجا آمده‌اند و هم شامل چندصد نفر از اوباشان مسلح بود که با آمادگی کامل به دانشگاه برگزاری نماز جنتی شروع به سخنرانی و تحریک جمعیت می‌کند. در این هنگام گروهی یورش می‌آورند و دانشجویان

در قلب کارگران، زحمتکشان و ستم‌دیدگان خلق عرب، در قلب تمامی مردم متعهد و آزادیخواه کینه‌های عمیق نسبت به این جنایات موج می‌زند: توطئه سرکوب جنبش دانشجویی در سراسر ایران که به قصد ایجاد انحراف در مبارزات ضد امپریالیستی توده‌ها طرح ریزی شده است در شهر اهواز چهره‌ای بس ددمنشانه و عمیقاً ضد انسانی و چهره‌ای بی‌نهایت گریه و نفرت‌انگیز به خود گرفته است. از آنجا که نیروهای انقلابی و ضد

هم میهنان مبارز! جنایاتی که اخیراً در دانشگاه‌ها صورت گرفت هر انسان متعهدی را به اعتراض وادار می‌دارد: ابعاد وسیع این جنایات چیزی نیست که بتوان با عوام‌فریبی و دروغ پردازی - آنچنانکه روزنامه جمهوری اسلامی و سایر دستگاه‌های تبلیغاتی رژیم به آن متوسل می‌شوند، پرده بر روی آن کشید: قشریون و همه آنها که از آگاهی مردم ما به وحشت افتاده‌اند پر آن شده‌اند تا هر نغمه آزادیخواهی و استقلال‌طلبی را خفه کنند. ما برای اینکه زحمتکشان میهنان هرچه بیشتر از عمق فجاج اخیر دانشگاه‌ها اطلاع پیدا کنند گزارش را از وضع دانشگاه جندی شاپور اهواز به زبان خود گزارشگر عیناً نقل می‌کنیم:

● در زندان اهواز یکی از دختران دانشجو را که به شکنجه و شلاق اعتراض کرده بود با خشونت به گوشه‌ای انداختند و به رگبار مسلسل بستند. این دانشجوی انقلابی مهناز معتمدی نام داشت.

### خاطرم‌اش گرامی باد!

مردم می‌گویند که درستاد پیشگام عکس‌های شاه و فرح و آموزگار را پیدا کرده‌اند. این نمونه‌ها بیش از هر چیز استیصال و ورشکستگی سیاسی آنان را می‌رساند. در سه‌شنبه سیاه اهواز جنایات بی‌شماری انجام گرفت. عده‌ای را وحشیانه با چوب و میله آهنی می‌زدند تا جایی که دانشجویان غرق در خون به حال اغما می‌افتادند در یک مورد دانشجویی را با زنجیر بزوی زمین می‌کشیدند و در همان حال می‌زدند. بیکر غرق به خون این دانشجو که در حال اغما بوده نیز از حملات وحشیانه در امان نماند. بعضی از پاسداران حتی در فاصله سه - چهار متری هدف می‌گرفتند و به پای دانشجویان شلیک می‌کردند. مثلاً رفیق جبرائیل هاشمی را به این ترتیب به گلوله می‌بندند که در بیمارستان بر اثر جراحات وارده به شهادت رسید. زمانی که دانشجویان از

را زیر باران سنگ می‌گیرند: این حمله با مقاومت دلاورانه دانشجویان روبرو شده و باندهای سیاه وادار به عقب‌نشینی می‌شوند. به یکباره صدای گلوله‌های کلت و ژ - ۳ از گوشه و کنار بلند می‌شود. پاسداران که از قبل آماده شده بودند اکنون بر روی صفوف دانشجویان بی سلاح که سرشار از عشق به خلق و ایمان به پیروزی هستند، شلیک می‌کنند. همه چیز نشان از یک توطئه جنایتکارانه می‌دهد: تقریباً ۲ ساعت قبل از شروع درگیری در مقابل درب ورودی دانشگاه از ورود اتومبیل‌های معمولی به دانشگاه جلوگیری می‌شده ولی تعدادی اتومبیل در اطراف دانشگاه کمین کرده بودند و دانشگاه را در محاصره داشتند: آنها از صبح همان روز تحت عنوان اینکه در بیمارستان شماره یک اهواز بمب کار گذاشته شده بیماران را از

امپریالیست به سرعت در دانشگاه‌ها و در بین کارگران نفت و فولاد دارای نفوذ و اعتبار می‌شدند، سرکوبگران در طی سه هفته قبل از شروع یورش به دانشگاه‌ها بیش از ۱۲۰ نفر از کارگران صنایع فولاد را اخراج و عده‌ای از آنها را زندانی کردند. آنها حملات سرکوبگرانه خود را علیه خلق عرب همچنان ادامه می‌دهند.

### چگونگی فجاج در دانشگاه اهواز

جنتی امام جمعه اهواز طی اعلامیه‌ای در تاریخ ۲ اردیبهشت ماه اعلام می‌کند که مراکز دانشجویی دانشگاه‌ها تخلیه شده و مردم را به برگزاری نماز در دانشگاه اهواز دعوت می‌نماید. در حالی که او می‌دانست هنوز دانشجویان در دانشگاه هستند: شعارهای "مرگ بر امریکا"

### اهواز در تب جنایات

### باندهای سیاه می‌سوزد

اکنون یک هفته است که اهواز در تب جنایات باندهای سیاه می‌سوزد. جنایاتی که به جرات میتوان گفت کم نظیر و بی سابقه است جنایاتی که تحت عنوان "انقلاب فرهنگی" صورت می‌گیرد. دادگاه انقلاب، تالار شهرداری، زندان کارون، مراکز کمیته‌ها، کمیته صحرائی، گاراژ پشت بیست و چهارمتری، کارآموزی زرگان، جملگی تبدیل به زندان شکنجه‌گاه و کشتارگاه صدها دانشجو، دانش‌آموز و دیگر مردم مبارزی شده است که از دانشگاه به مثابه یک سنگر مبارزه ضد امپریالیستی و به مثابه یک سنگر آزادیخواهی دفاع می‌کنند. در قلب پرشور زندانیان، در قلب خانواده‌های داغدار خانواده‌های زندانیان و افراد کم شده و مجروحین



## بر اساس حکم دادگاه انقلاب اسلامی اهواز

# دو مبارز اعدام شدند

● نائید اعدام انقلابیون در اهواز توسط "شورای انقلاب و رئیس جمهور" دلیل تاکید آنان بر سیاست سرکوب و اختناق است.

در عین حال حقانیت نیروهای انقلابی را بکرای مردم ما روشن تر کرد و نشان داد که برای ساختن ایرانی آزاد و دمکراتیک، انقلابیون آماده هرگونه فداکاری هستند.

چاودان باد خاطره تمام  
تمام شهدای راه آزادی  
و استقلال



دست آخر برقراری امنیت برای طبقه سرمایه دار ایران. این جنایت که بعد از انقلاب خونبار مردم ما اتفاق می افتد نشانه ای از وحشت حزب جمهوری اسلامی و شورای انقلاب از رشد آگاهی و اتحاد مردم میهن ما و بیانگر نفرت عمیق آنها از نیروهای انقلابی است. این سند ورشکستگی مجریان آن را به وضوح نشان می دهد و چهره آنها را بیش از پیش رسوا و مفتضح ساخت. این جنایت

دانشجویان انقلابی و مبارزان خانه های مردم کردستان را صادر می کنند. دادگاهشان هم همین بیدادگاه است که رفقای انقلابی را به جرم شرکت در اکثر تحصن ها و اعتصابات و اقدامات علیه جمهوری اسلامی و... به جوخه جنایت می سپرد. سال "امنیتی" که حکومت نوید آن را می دهد همین است آزاد کردن ساواکی ها و باز گرداندن آنها به سرکار برای شکار انقلابیون و کشتار آنها و

عناصر ساواک و سردمداران رژیم شاه را تبرئه کند و از آنها اعاده حیثیت نماید، به جز این هم نمی تواند با انقلابیون رفتار نماید. آری، جنایتکارانی که توماج و همرزمان را در اسارت به گلوله بستند، آنها که در دل شب دست جنایتکارشان از آستین باند های سیاه به در می آید و فرزندان راستین طبقه کارگر را ترور می کنند و بالاخره آنها که در روز روشن دستور حمله و قتل عام

سحرگاه شنبه ۱۲ اردیبهشت ماه دو مبارز انقلابی رفقا احمد مودن و مسعود دانیالی در بی دادگاه حزب جمهوری اسلامی محاکمه و به دست جوخه جنایت سپرده شدند. "دادگاهی" که در آن نه از وکیل مدافع خبری است، نه از قاضی و نه از ناظر، ریش و قیچی در دست حزب جمهوری اسلامی است. اتهام را حکم یکجا قرائت می کنند و خودشان بلافاصله اجرا می کنند. آری دادگاهی که

بیشتری یورش آوردند و آنها را بی محابا به گلوله بستند. و اما در مورد دانشجوی مبارز دیگر، مهناز معتمدی، جریان بدین صورت بود که این دختر مبارز نیز از جمله دانشجویانی بود که در دانشگاه اهواز دستگیر شده بود. پاسداران او و تعدادی دیگر از دختران دانشجویا به قصد شکنجه با چشمان بسته در مقابل دیوار قرار دادند و برای ایجاد ارعاب در اطراف سر آنها شروع به شلیک گلوله نمودند. یکی از این دختران که مهناز معتمدی نام داشت، به این عملیات فجیع اعتراض کرد. پاسداران موهای سرش را گرفتند، او را روی زمین کشیدند و سپس با مشت و لگد او را به گوشه ای انداختند و به رگبار مسلسل بستند. آنها برای قانونی جلوه دادن جنایات خود نام این دختر مبارز را با بیشرمی تمام جزو آن دسته از زندانیانی اعلام کردند که بقول خودشان "شورش" کرده بودند.

تازگی ندارد. این اخبار جعلی خاطره تلخ شهادت فدائیان خلق رفیق بیژن جزینی و همرزمان را زنده می کند. بعلاوه زمان زیادی نیز از کشتار فجیع رفقای ما توماج، مختموم، واحدی و جرجانی رهبران خلق ترکمن که در زندان جمهوری اسلامی شهید شدند، نمی گذرد. کشتار خشونت بار زندان

پاسداران محافظ با قساوت تمام به روی آنان آتش می گشایند. در این کشتار ۸ زندانی شهید و لاقلا ۳۶ نفر زخمی می شوند. یکی از زندانیان را که گلوله خورده بود برای مدتی در همان حال نگه میدارند و بعد از اعتراضات فراوان دیگر زندانیان او را به بیمارستان منتقل می کنند اما فردای همانروز جسد این رفیق را در

## فاجعه ای که بعنوان ...

بعضی از اعضاء انجمن های اسلامی در تمام شهر برای شناسائی عناصر مترقی فعالیت می کنند. در بیمارستان ها نیز آنچنان محیط ترعب و وحشتی به وجود آورده اند که کارکنان بیمارستان ها تاکنون دوبار دست به اعتصاب و تهدید به استعفا زده اند چندین دکتر

زده اند شلاق ها از کابل هستند که با قساوت هر چه تمامتر به کمر زندانیان می زنند. چندین مورد حمله به زندانیان زن و قصد تجاوز به آنها دیده شده است. در بیرون از زندان باندهای سیاه و چماقداران به ارعاب مردم و خانواده زندانیان



این شهدا در اسارت یعنی در زندان جمهوری اسلامی توسط پاسداران به رگبار بسته شدند.

این جنایت ها هنوز به اشکال مختلف در اهواز ادامه دارد و روز بروز مردم بیشتر به عمق این جنایات پی می برند و از مقاومت دانشجویان و دانش آموزان انقلابی و فرمان اهواز حمایت می کنند. به شهدای نهرمان اهواز درود می فرستیم و ایمان داریم روزی که خلق بداند هر قطره خونشان محراب می شود.

اهواز حماسه دیگری بر حماسه قهرمانی های خلق افزود. واقعیت از این قرار بود که اصلا شورش صورت نگرفت بود. پاسداران پس از یورش به دانشگاه عده زیادی از دانشجویان را دستگیر کردند و چون زندان پر شده بود و جا نداشت، آنها را به سالن شهرداری منتقل کردند. وقتی دانشجویان به برخورد های پاسداران و نحوه بازداشت خود اعتراض کردند، پاسداران با خشونت

حالی به خانواده اش تحویل می دهند که با قمه گردن او را شکافته بودند. اما در اخباری که از طرف رژیم در این باره منتشر شد، چنین ادعا شده است که: "زندانیان اهواز شورش کردند و در این شورش ۴ نفر کشته شدند که یکی از آنها دختری به نام مهناز معتمدی بود." پخش این خبر دروغ و استفاده از این شیوه های آریامهری برای مردم ما

انترن، ززیدنت و پرستار هم در زندان به سر می برند. شورش یا جنایت؟! روز پنجشنبه ۴ اردیبهشت ماه ۵۹ جنایت هولناک دیگری در تالار شهرداری (یکی از اماکن که زندانیان را به آنجا می بردند) اتفاق افتاد در حالی که خانواده های زندانیان در خارج از تالار شهرداری اجتماع کرده بودند و به این جنایات اعتراض می کردند، زندانیان به دادن سفار ضدامریکائی می پردازند

مشغولند. چماقداران که بنا به گفته یکی از آنها روزانه ۱۲۰ تومان همراه سه وعده غذا دریافت می کردند، بارها و بارها به زنان و کودکان پیرزنان و پیر مردان، مادران و پدران نگرانی که در حول زندان ها جمع شده بودند حمله کردند، آنها را کتک زدند و تهدیدشان کردند. چماقداران و پاسداران به چندین خانه در اهواز نیز یورش برده و تعدادی را در خیابان ها دستگیر کرده اند

## گرامی باد حماسه شهادت دلاوران دانشجویان رزمنده و انقلابی دانشگاه های ایران

بمناسبت پنجمین سالگرد فتح سایگون (شهرهوشی مین) و آزادی کامل ویتنام (قسمت دوم)

# شکست جهانی امپریالیزم آمریکا هر روز نزدیکتر می شود

ارتش خلق با استفاده از موقعیت مناسب جدید سرریا وارد عمل شد و در ۱۹ مارس سراسر ایالت کوآنک تری را آزاد ساخت. روز ۲۱ مارس نیروهای انقلاب حملات گسترده‌ای از شمال، غرب و شرق آغاز کردند و ضربات پی در پی خود را به دشمن وارد آوردند. در ۲۵ مارس شهر هوئه پایتخت کهنسال ویتنام آزاد شد و پرچم انقلاب بر فراز دروازه قدیمی شهر به اهتزاز درآمد. در همین روز دانانگ به محاصره نیروهای انقلابی درآمد. ارتش مزدور به تخلیه سریع نیروهای خود و مستشاران نظامی آمریکا پرداخت. آنها بر سر فرار و سوار شدن در هواپیما با هم به نزاع می پرداختند. ضدانقلاب فرار می کرد و انقلاب به پیش می رفت. یکی از کارکنان ستاد سرفرماندهی عملیات نیروهای انقلابی در آن موقع می گفت:

"من قادر نیستم به این سرعت نقشه‌ها را تنظیم نمایم و موقعیت نیروهایمان را مشخص کنم. در همین روز دفتر سیاسی حزب جلسهای تشکیل داد و اعلام نمود:

"تهاجم استراتژیک سراسری، با نبرد نای نگوین آغاز شده است. یک فرصت جدید استراتژیک فرا رسیده است و شرایط امکان می دهد که قطعنامه رهائی ویتنام را زودتر از موقع به عمل آوریم. ما مصمم هستیم که نیروها و سلاح‌های پیشرفته و مواد لازم را سرریا متمرکز کرده و سایگون را قبل از آغاز فصل بارانی آزاد کنیم."

در ۲ آوریل ۷۵ وان مین رئیس ستاد ارتش سایگون اعلام کرد که وی "مصمم است که مناطق باقیمانده را شدیداً حفظ نموده و کوشش می کند از فان دانگ به جنوب را حفظ نماید." فرماندهی دشمن دستوری صادر نمود که سربازان تا فصل بارانی به مقاومت همه جانبه دست بزنند تا این زمان ۳۵ درصد نیروهای ارتش دشمن منهدم و فراری شده بود و بیش از ۴۰٪ سلاح‌های مدرن و تکنولوژیک آنها به وسیله انقلاب مصادره شده بود. ۱۲ ایالت بطور کامل آزاد گردیده بود که جمعیتی بالغ بر ۸ میلیون نفر را در بر می گرفت. در نبرد دانانگ هماهنگی کاملی بین حملات ارتش خلق و قیام‌های توده‌ای ایجاد گردید که این مسئله بیانگر مقاومت توده‌ها و اعتلاء حرکات توده‌ای در سطح جامعه بود.

دفتر سیاسی حزب تصمیم گرفت که تمام نیروهای جامعه را برای نبرد نهائی بسیج نماید. تمام واحدها دستور یافتند که ارجحیت را به جبهه نبرد سایگون بدهند. تمام خلق زیر شعار "بسرعت برق، شجاعانه، غافلگیرانه، پیروزی قطعی" بسیج شدند. دفتر سیاسی هفته آخر ماه آوریل را برای حمله نهائی و فتح سایگون تعیین نمود. در ساعت ۷ بعد از ظهر ۱۴ آوریل ۷۵ تلگرامی از دفتر سیاسی به فرماندهی عملیات ژنرال وان تین دان مخابره گردید.

"موافقت می شود عملیات سایگون، عملیات هوشی مین نامگذاری شود." و بدین ترتیب بزرگترین حماسه سال‌های اخیر بانام رفیق هوشی مین رهبر کبیر خلق ویتنام مزین گردید.

سایگون - جیادین شهر بزرگی با جمعیت ۳/۵ میلیون نفر بود که مساحتی در حدود ۱/۸۴۵

کیلومتر را می پوشانید با ساختمان‌های بلند و محکم و مجتمع‌های ساختمانی بسیار. اینجا مرکز اعصاب دولت مزدور تپو بود که انبارهای عظیم نظامی و پشت جبهه دشمن در آنجا متمرکز شده بود. در جنوب شهر رودخانه‌ها و حویبارهای بسیاری وجود دارد. حومه شهر منطقه‌ای است مرتفع که برای تحرک نظامی مناسب است.

در شمال، شمال‌غربی و بخصوص شرق سایگون پل‌های فراوانی وجود دارند که به مثابه دروازه‌های ورود به شهر هستند. نیروهای ارتش خلق اطلاع یافته بودند که دشمن قصد دارد تمام این پلها را



ارتش آزاد بیخوش هنگام ورود به خیابانهای سایگون (شهرهوشی مین) در اول ماه مه

مین‌گذاری بکند تا در آخرین فرصت از پیشروی ارتش خلق جلوگیری به عمل آورد. اگر نیروهای انقلابی نتوانستند این پلها را تصرف کنند نیروهای زرهی و سنگین موفق به ورود به شهر نمی شدند و آنگاه فصل بارانی فرا می رسید و مشکلات زیادی به وجود می آمد. امپریالیزم آمریکا سایگون را به مرکز اصلی برنامه‌های نو استعماری خود تبدیل ساخته بود. مواد مخدر، فحشاء، قمار دزدی و قتل و غارت سراسر شهر را فرا گرفته بود و تبلیغات ضد کمونیستی به شدیدترین وجهی در جریان بود.

اما مردم سایگون کارای سابقه مبارزاتی بسیار طولانی بودند. شاخه حزب کارگران ویتنام در سایگون در شرایطی بسیار سخت به کار پیگیری و ممتد خود ادامه داده بود و هسته‌های بسیار زیادی در تمام مناطق شهر ایجاد کرده بود. در این زمان کمیته حزبی سایگون فعالیت شدیدی را آغاز نموده بود. صدها هزار اعلامیه چاپ و پخش

می شدند. گروه‌های تبلیغ، پیشرو مدام در فعالیت بودند. زوجیه جوشان خلق دشمن را در وحشت فرو برده بود. در ظرف چند روز صدها کادر حزبی بطور مخفیانه به شهر وارد شدند تا به کمک سایر رفقای خود بشتابند. کمیته حزب چاپخانه‌های کوچک و بزرگ زیادی در اختیار داشت و صدها ماشین بالندگو برای تبلیغ در سطح شهر آماده کرده بود. در خیاطی‌ها هزاران متر پارچه به پرچم انقلاب تبدیل می شدند. شاخه حزب در سایگون در تدارک یک قیام توده‌ای بود تا در تلفیق آن با حمله ارتش خلق پیروزی کامل را تضمین نماید. ضدانقلاب از درون و بیرون شهر زیر ضربه قرار گرفته بود. در آوریل یک خلبان نیروی هوایی سایگون که عضو حزب کارگران ویتنام بود کاخ ریاست جمهوری را بمباران کرد. و سپس با هواپیما خود به ارتش خلق پیوست. تیو دستور داد منطقه دفاعی سایگون را تحکیم بخشند و نیروهای خود را در حومه شهر مستقر کرد.

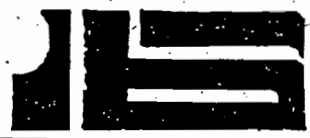
ارتش خلق نیروهای خود را در ۵ نقطه اطراف شهر متمرکز کرده بود. کادرهای رهبری حزب و دولت انقلابی ستاد رهبری را در حومه شهر قرار داده بودند و از همانجا عملیات را رهبری می کردند. برنامه حمله وسیعاً مورد بحث قرار گرفت. دو مسئله اساسی در کنار صدها مسئله دیگر وجود داشت که می باید حل می شدند. اول اینکه شیوه حمله تعیین شود و دوم اهداف حمله، مسئله حفظ جان اهالی شهر یک مسئله بسیار مهم بود که می باید توجه لازم به آن بقود. دشمن در سایگون و سراسر جهان تبلیغات وسیعی به راه انداخته بود که سایگون بزودی به حمام خون تبدیل خواهد شد.

سرانجام برنامه حمله طراحی شد. ۵ نقطه اصلی برای حمله و تصرف انتخاب شدند. مقبر سرفرماندهی ارتش سایگون، "کاخ استقلال"، مقر سرفرماندهی مخصوص منطقه، مقر پلیس و فرودگاه، اینها عمده‌ترین مراکز رژیم سایگون بودند. حمله باید به شکل برق‌آسا انجام گیرد تا ارتش سایگون فلج شود. شیوه حمله استفاده از همه نیروها منزوی کردن نیروهای دشمن و جلوگیری از عقب نشینی آنها به داخل محدوده شهر بود. نیروهای توپخانه دشمن می باید بلا درنگ نابود شود. نیروهای انقلاب باید بلافاصله به شهر وارد شده، آنرا تصرف کرده و سپس باقیمانده نیروهای دشمن را در خارج شهر نابود نمایند. نیروهای انقلابی درون شهر واحدهای عملیات مخصوص، نیروهای مسلح حفاظتی و نیروهای دفاع از خود تشکیل داده بودند که می باید سرریا پلها را تصرف کرده، نیروی ارتش خلق را به شهر هدایت نموده و ضدانقلابیون را خنثی نمایند. آنها وظیفه رهبری قیام توده‌ای در شهر را به عهده داشتند که طرح و نقشه آن در تمام قسمت‌های حزبی داخل شهر وسیعاً تشریح شده بود.

خلق ویتنام در زیر رهبری حزب کارگران ویتنام (حزب کمونیست) خود را سازمان می داد تا سرریا زیباترین محصول قرن را بنیافریند. عملیات بقیه در صفحه ۹

امریکا تو خالی است ویتنام گواهی است





### بمناسبت پنجمین سالگرد فتح سایگون . . .

بقیه از صفحه ۸

هوشی مین؟ سردمداران آمریکا دیگر از نجات دولت تیو قطع امید کرده بودند در دوم آوریل راکفلر اعلام کرد:

"دیگر برای ما دیر شده که بتوانیم برای عوض کردن شرایط کاری انجام بدهیم."

فورد و کی سینجر به تیو اعلام کردند:

"ما در غم شما شریک هستیم و ایمنی عفت نشینی های لازم را درک می کنیم."

اما همچنان سفیانه می گفتند:

"امریکا همچنان قاطعانه در پشت جمهوری ویتنام ایستاده است."

آنها قطعنامه ای از کنگره آمریکا گذراندند و ۷۷۲ میلیون دلار بودجه برای کمک به رژیم تیو تحت عنوان:

"برنامه تخلیه و حفاظت تخلیه" اختصاص دادند. آنها تا آخرین روز سرنگونی رژیم سایگون سعی داشتند نشان دهند که اربابان قابل اعتمادی هستند و از نوکران خود به خوبی حفاظت می کنند. در همین روزها بود که فتح پنوم پیوست. ضربات انقلابیون لاوس به آمریکا به وقوع پیوست. روز ۱۸ آوریل آمریکا دستور تخلیه امریکائیان از سایگون را صادر نمود آنها به همراه خود هزاران بچه ویتنامی را نیز خارج کردند تا افکار عمومی جهانیان را با طرح مسئله "حمام خون" به انحراف بکشاند به این ترتیب جنایت هولناک دیگری مرتکب شدند.

روزنامه ارتش سایگون نوشت:

"جمهوری ویتنام هرگز تسلیم کمونیست ها نخواهد شد. فورد در ۲۱ آوریل اعلام کرد: تا آنجا که برای آمریکا مطرح است جنگ به پایان رسیده است. ما دیگر نمی توانیم به ویتنامی ها کمک کنیم. آنها باید با سرنوشتی که در انتظارشان است به مقابله برخیزند."

در این زمان تضادهای درونی دولت دست نشانده سایگون به جدت بی سابقه ای رسیده بود. ژنرال های ارتش سایگون با جنگ و نبردان به جان هم افتاده بودند تا از موقعیت به نفع خود استفاده کنند. کاوکی برنامه یک کودتا برای سایگون را در سر می پروراند و ژنرال ها در یک کنفرانس از تیو خواستند که استعفا کند روحیه ارتش سایگون به شدت تضعیف شده بود. سرانجام در ۲۱ آوریل تیو استعفا کرد. او در نطقش علت شکست دولت خود را کاهش کمک های آمریکا اعلام کرد. سقوط تیو سقوط کامل سیاست استعمارگرانه امپریالیسم آمریکا بود. آمریکا هانگ را به جای تیو گمارد، اما دیگر خیلی دیر شده بود. تیو در روز ۲۶ آوریل به همراه ۱۶ تن طلا، نقره، دلار و اشیاء قیمتی به تایوان گریخت و بعد از او بسیاری دیگر از نوکران آمریکا راه فرار در پیش گرفتند در ظرف مدت کوتاهی بانک های سایگون خالی شدند بزودی جانشین تیو نیز مجبور به استعفا شد.

در روز ۲۶ آوریل سرانجام حمله نهائی ارتش خلق آغاز گردید. توپخانه انقلاب مواضع ارتش سایگون را درهم می کوفت. برنامه ارتش خلق آغاز حمله در روز ۲۷ آوریل و تصرف شهر در ۲۹ آوریل بود. روز ۲۸ آوریل وان مین، جای هانگ را گرفت و اعلام کرد:

"اسلحه را زمین نخواهیم گذاشت. ارتش خلق وصیت هوشی مین را که گفت: "به پیش پیروزی کامل از آن ماست. عملی می ساخت و

دیگر از رژیم سایگون چیزی باقی نمانده بود. مارتین سفیر آمریکا با هلی کوپتر از بام سفارت گریخت و پرچم آمریکا برای همیشه در خاک ویتنام فرو افتاد.

ژنرال وان تین دان فرمانده ارتش خلق می نویسد:

"بر روی نقشه ۵ شاخه ارتش ما به مثابه ۵ راس یک ستاره بزرگ در شهر به هم می رسیدند. ستاره ای که نام عمو هو بر آن نقش بسته بود. روز ۳۰ آوریل کابینه دولت مزدور سایگون در "کاخ استقلال" تشکیل جلسه داده بود تا هر چه را که بتوانند حفظ کنند. اما دیگر چیزی باقی نمانده بود و آنها مجبور شدند به سربازان دستور دهند که اسلحه خود را زمین بگذارند. ارتش آزاد پیخش خلق به شهر وارد شده بود و توده های شهر قیام را آغاز کرده بودند. جو انقلابی سراسر شهر را در خود فرو برده بود.

در ساعت ۱۱ و نیم روز ۳۰ آوریل ۷۵، پرچم انقلاب برفراز "کاخ استقلال" به اهتزاز درآمد و نیروهای انقلابی در این نقطه به هم رسیدند. سایگون کاملاً آزاد شده بود. در هانوی تمام مردم به خیابان ها ریخته بودند و یکپارچه شور و شادی بودند. حمله برای آزادی نقاط باقیمانده بسرعت برق انجام یافت و سراسر خاک ویتنام آزاد گردید. در مرکز پلیس کامپیوتر امریکائی که مدارک ارتشیان را ضبط می کرد هنوز در حال کار بود. اما نیروی خلق به تکنولوژی امریکائی فائق آمده بود. وقتی در کاخ ریاست جمهوری و اطاق فرماندهان وابسته به آمریکا گشوده شد "رئیس جمهور" سراسیمه جلو دویده گفت:

"ما آماده ایم که برای انتقال قدرت مذاکره نمائیم."

و سرباز انقلابی با خونسردی پاسخ داد:

"شما قدرتی ندارید که برای انتقال آن بخواهید مذاکره کنید."

چند روز بعد له دوان، جیاب و رئیس جمهور تون داک تون و سایر رهبران حزب به شهر هوشی مین پرواز کردند. رفیق له دوان در حالیکه دستمالی به دست داشت و اشک خود را پاک می کرد در زیر آفتاب درخشان شهر هوشی مین قدم از پلکان هواپیما پائین گذاشت. جای عمو هو خالی بود. عمو هوئی که سالها انقلاب ویتنام را رهبری کرده بود و به پیروزی های پی در پی رسانده بود. عمو هوئی که سایگون به افتخارش هوشی مین نام گرفته بود.

روز بعد سراسر ویتنام اول ماه مه روز جهانی کارگران را در میهن آزاد شده خود جشن گرفت. پیروزی انقلاب ویتنام و شکست امپریالیسم آمریکا کارگران و زحمتکشان سراسر جهان را غرق در شادی کرد. خلق های ستمدیده جهان پیروزی ویتنام را به مثابه پیروزی خود می دیدند. آری امپریالیسم آمریکا سرانجام شکست خورده بود و انقلاب ویتنام سرفصل نویینی در مبارزات کشورهای سوسیالیستی خلق های جهان و طبقه کارگر کشورهای سرمایه داری ایجاد کرده بود. دوره افول کامل آمریکا فرا رسیده بود و سوسیالیسم در جهان گامی دیگر به پیش برداشته بود.

(در شماره آینده نظری بر تحولات پنج ساله جامعه ویتنام خواهیم افکند)

ادامه دارد

### پیام به هواداران

تبلیغات همه جانبه و زهر آگینی علیه نیروهای انقلابی سازمان داده شده است هدف این تبلیغات دامن زدن به پراکندگی ها و از بین بردن مرز دوستان و دشمنان مردم است. در چنین شرایطی رساندن اطلاعات و اخبار صحیح و واقعی به مردم و شناساندن چهره واقعی دوستان و دشمنان مردم به توده ها یک وظیفه عاجل و مبرم است.

به میان مردم بروید، حقایق را برای آنها توضیح دهید! به هر وسیله که امکان دارید بیانیتهای، اعلامیه ها و مقالات نشریه "کار" را با توجه به شرایط محلی و سطح آگاهی توده ها تکثیر کرده و به دست مردم برسانید. سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

### با جمع آوری کمکهای مالی

سازمان را در پیشبرد

#### جنبش انقلابی خلق حمایت کنیم

جنبش انقلابی خلق های قهرمان ایران تنها به حمایت و پشتیبانی مردم میهنان استوار است. سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در اجرای وظایف عظیم انقلابی که بر عهده وی قرار گرفته است اکنون بیش از پیش به کمک های مالی هم میهنان و هواداران سازمان نیاز مبرم دارد.

با جمع آوری کمکهای مالی، سازمان را در پیشبرد جنبش انقلابی خلق حمایت کنید.

هنگام پرداخت پول حرف اول نام خود را همراه با عددی دلخواه که انتخاب می کنید به سازمان بدهید. کد پ. م. ب. همراه حرف اول نام شما در نشریه "کار" چاپ خواهد شد تا شما از رسیدن کمک هایتان به سازمان مطلع شوید.

### کمکهای مالی دریافت شده

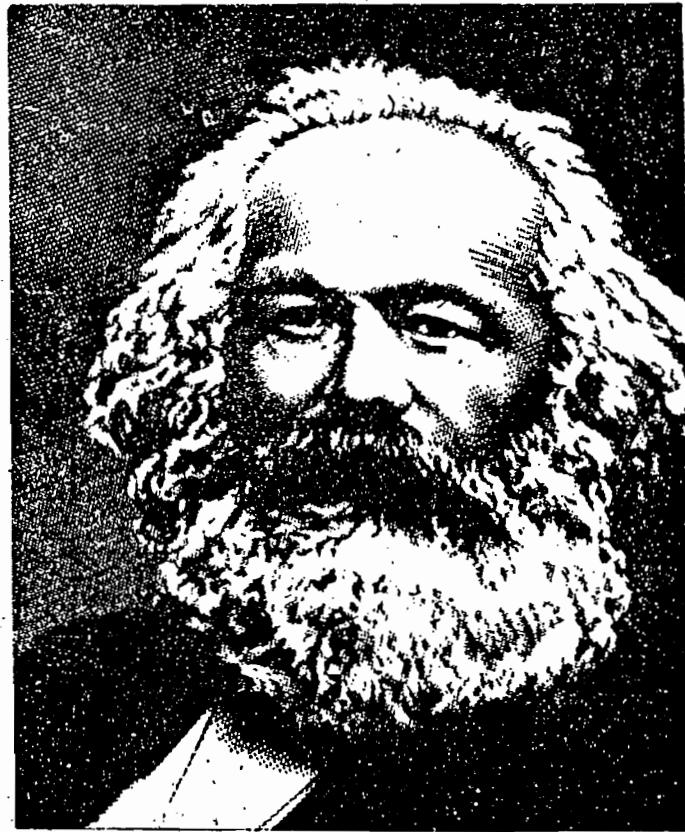
ردیف	نام	مبلغ	ردیف	نام	مبلغ
۱	...	...	۱۰	...	...
۲	...	...	۱۱	...	...
۳	...	...	۱۲	...	...
۴	...	...	۱۳	...	...
۵	...	...	۱۴	...	...
۶	...	...	۱۵	...	...
۷	...	...	۱۶	...	...
۸	...	...	۱۷	...	...
۹	...	...	۱۸	...	...
۱۰	...	...	۱۹	...	...
۱۱	...	...	۲۰	...	...
۱۲	...	...	۲۱	...	...
۱۳	...	...	۲۲	...	...
۱۴	...	...	۲۳	...	...
۱۵	...	...	۲۴	...	...
۱۶	...	...	۲۵	...	...
۱۷	...	...	۲۶	...	...
۱۸	...	...	۲۷	...	...
۱۹	...	...	۲۸	...	...
۲۰	...	...	۲۹	...	...
۲۱	...	...	۳۰	...	...
۲۲	...	...	۳۱	...	...
۲۳	...	...	۳۲	...	...
۲۴	...	...	۳۳	...	...
۲۵	...	...	۳۴	...	...
۲۶	...	...	۳۵	...	...
۲۷	...	...	۳۶	...	...
۲۸	...	...	۳۷	...	...
۲۹	...	...	۳۸	...	...
۳۰	...	...	۳۹	...	...
۳۱	...	...	۴۰	...	...
۳۲	...	...	۴۱	...	...
۳۳	...	...	۴۲	...	...
۳۴	...	...	۴۳	...	...
۳۵	...	...	۴۴	...	...
۳۶	...	...	۴۵	...	...
۳۷	...	...	۴۶	...	...
۳۸	...	...	۴۷	...	...
۳۹	...	...	۴۸	...	...
۴۰	...	...	۴۹	...	...
۴۱	...	...	۵۰	...	...
۴۲	...	...	۵۱	...	...
۴۳	...	...	۵۲	...	...
۴۴	...	...	۵۳	...	...
۴۵	...	...	۵۴	...	...
۴۶	...	...	۵۵	...	...
۴۷	...	...	۵۶	...	...
۴۸	...	...	۵۷	...	...
۴۹	...	...	۵۸	...	...
۵۰	...	...	۵۹	...	...
۵۱	...	...	۶۰	...	...
۵۲	...	...	۶۱	...	...
۵۳	...	...	۶۲	...	...
۵۴	...	...	۶۳	...	...
۵۵	...	...	۶۴	...	...
۵۶	...	...	۶۵	...	...
۵۷	...	...	۶۶	...	...
۵۸	...	...	۶۷	...	...
۵۹	...	...	۶۸	...	...
۶۰	...	...	۶۹	...	...
۶۱	...	...	۷۰	...	...
۶۲	...	...	۷۱	...	...
۶۳	...	...	۷۲	...	...
۶۴	...	...	۷۳	...	...
۶۵	...	...	۷۴	...	...
۶۶	...	...	۷۵	...	...
۶۷	...	...	۷۶	...	...
۶۸	...	...	۷۷	...	...
۶۹	...	...	۷۸	...	...
۷۰	...	...	۷۹	...	...
۷۱	...	...	۸۰	...	...
۷۲	...	...	۸۱	...	...
۷۳	...	...	۸۲	...	...
۷۴	...	...	۸۳	...	...
۷۵	...	...	۸۴	...	...
۷۶	...	...	۸۵	...	...
۷۷	...	...	۸۶	...	...
۷۸	...	...	۸۷	...	...
۷۹	...	...	۸۸	...	...
۸۰	...	...	۸۹	...	...
۸۱	...	...	۹۰	...	...
۸۲	...	...	۹۱	...	...
۸۳	...	...	۹۲	...	...
۸۴	...	...	۹۳	...	...
۸۵	...	...	۹۴	...	...
۸۶	...	...	۹۵	...	...
۸۷	...	...	۹۶	...	...
۸۸	...	...	۹۷	...	...
۸۹	...	...	۹۸	...	...
۹۰	...	...	۹۹	...	...
۹۱	...	...	۱۰۰	...	...

### مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرگردگی امپریالیسم آمریکا

بمناسبت سالگرد تولد کارل مارکس

# "کارگران سراسر جهان یک دشمن مشترک دارند:" سرمایه‌داری

● همچنانکه سرمایه نیروئی جهانی است و مرز ملی نمی‌شناسد، طبقه کارگر نیز بمثابة گورکن سرمایه‌داری طبقه‌ای است که در تمام کشورها منافع مشترک و یکسانی دارد و برای هدف مشترک - ساختمان جامعه بی‌طبقه - مبارزه می‌کند. طبقه کارگر سراسر جهان یک دشمن مشترک دارد و متحداً علیه آن مبارزه می‌کند.



۱۵ اردیبهشت (۵ مه) سالروز تولد کارل مارکس، بنیانگذار مارکسیسم و رهبر کارگران جهان است. ۱۶۲ سال پیش مارکس در شهر ترییر آلمان به دنیا آمد. او تحصیلات ابتدائی و متوسطه‌اش را در زادگاه خود به پایان برد و سپس به دانشگاه بن وارد شد. مارکس به آموزش حقوق پرداخت و در سال ۱۸۴۱ در رشته فلسفه فارغ‌التحصیل شد. در این زمان مارکس هگل‌گرا بود و با عده‌ای از روشنفکران محفلی ایجاد کرده بود. وی در اکتبر ۱۸۴۲ به سردبیری روزنامه "راین" انتخاب شد. این روزنامه تحت سردبیری مارکس چهره‌ای انقلابی به خود گرفت. اما دیری نپایید که دیو سانسور به سراغ آن آمد و سرانجام دولت از انتشار آن جلوگیری کرد.

به حق به نام وی موسوم است. و بدین سان، سوسیالیسم علمی، اندیشه‌های طبقه کارگر با نام مارکس عجین شد. و به درستی مارکسیسم نام گرفت. مارکس که از سال ۱۸۴۵ به عنوان یک انقلابی

مارکس در سال ۱۸۴۳ با دوست دوران کودکی خود "ژنی فن وستفالن" ازدواج کرد و در پاییز همان سال راهی پاریس شد تا به انتشار یک مجله انقلابی بپردازد. در سپتامبر ۱۸۴۴ انگلس برای چند روز به پاریس آمد و از آن پس پیوند فکری استوار آن دو تا دم مرگ ادامه یافت. این دو رفیق انقلابی در مبارزات گروه‌های انقلابی پاریس شرکت فعال داشتند و در مبارزه‌های بی‌امان علیه مکتب گوناگون خرده‌بورژوازی تئوری سوسیالیسم علمی را تدوین نمودند. با آنکه مارکس و انگلس تئوری سوسیالیسم علمی را به کمک یکدیگر تدوین نمودند اما سهم مارکس در آن شایان اهمیت ویژه‌ای است. انگلس خود در این باره می‌گوید: "آنچه که مارکس انجام داده است من هرگز نمی‌توانستم انجام دهم. مارکس از همه ما بالاتر بود. دورتر از همه ما می‌دید و بیشتر و سریعتر از همه ما امان نظر می‌کرد. مارکس نابغه بود و ما حداکثر صاحب قریحه بوده‌ایم. بدون او تئوری ما به هیچ وجه آن چیزی نبود که اکنون هست. لذا این تئوری

راه آینده را روشن‌تر ساخته و اندیشه‌های خود را تکامل و غنا بخشید و چنین بود که "جنگ داخلی در فرانسه" و... راه نگارش در آورد. کمون مظهر اراده طبقه کارگر و سمبول انترناسیونالیسم پرولتری بود.

بخشیدند و تکامل دادند. دیری نپایید که انقلاب شکست خورده و ضدانقلاب حاکم شد. مارکس به محاکمه کشیده شد و به پاریس تبعید شد. اما به زودی و پس از تظاهرات ۱۴ ژوئن از پاریس نیز تبعید شد و به لندن رفت و بیشتر زندگیش را در همانجا

گذراند. اعتلای مبارزات انقلابی در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ بار دیگر مارکس را به پهنه مبارزه طبقاتی فراخواند. در سال ۱۸۶۴ "جمعیت رفاقت بین‌المللی کارگران" (انترناسیونال اول) بنیان گذاشته شد. مارکس روح و جان این سازمان بود و نخستین پیام‌ها و قطعنامه‌ها و بیانیه‌های این سازمان را به نگارش در آورد.

کمون پاریس، اولین دولت کارگری جهان توجه مارکس را کاملاً به خود معطوف نمود. مارکس کوشش نمود با درگیری از تجارب و ضعف‌های کمون

● در سالهای ۴۹-۱۸۴۸ سراسر اروپا را امواج پی در پی انقلاب فرا گرفت. مارکس و انگلس با استفاده از تجربه غنی از انقلاب در این سالها اندیشه علمی خود را تعمیق بخشیدند و تکامل دادند.

می‌کنند، بدل می‌شوند و لنین ادامه دهنده راه او - نشان داد که این خصلت با تحول سرمایه‌داری رقابت آزاد به امپریالیسم آشکارتر، قطعی و جهانی می‌شود. اما این تنها یک وجه ظهور تکامل سرمایه‌داری است. وجه دیگر و متضاد آن ظهور رشد و تکامل طبقه کارگر به مثابه طبقه‌ای است که درست به علت جایگاهش در تولید اجتماعی رسالت نابودی سرمایه‌داری را عهده دارد. همچنانکه سرمایه نیروئی جهانی است و مرز ملی نمی‌شناسد، طبقه کارگر نیز به مثابه گورکن سرمایه‌داری طبقه‌ای است که در تمام کشورها منافع مشترک و یکسانی دارد و برای هدف مشترک: ساختمان جامعه بی‌طبقه، مبارزه می‌کند. همچنانکه تمام حکومت‌های سرمایه‌داری جهان علیه کارگران متحدند، طبقه کارگر نیز در جهان یک دشمن مشترک دارد و متحداً علیه آن مبارزه می‌کند. مارکس با درک توان عینی و بالقوه طبقه کارگر و رسالت تاریخی آنان بود که شعار "کارگران جهان متحد شوید!" را مطرح ساخت. مارکس از همان آغاز تاکید می‌کرد که پیکار طبقه کارگر علیه سرمایه‌داران هر چند در آغاز از نظر شکل ملی باشد از نظر محتوای بین‌المللی است. اگر چه همبستگی بین‌المللی کارگران در مبارزه با بقیه در صفحه ۱۱

برای خود تنگ می‌بیند و از مرزهای ملی گذشته، برای کالاهای خود بازار جهانی بوجود می‌آورد و بطور روز افزونی به تولید و مصرف تمام ملتها خصلت جهانی می‌دهد. بطوری که در اندک زمانی هیچ ملتی نمی‌تواند در چارچوب مرزهای خود بتنهائی احتیاجاتش را برآورده سازد. همراه با این تحول، ناسیونالیسم (ملت‌گرایی) سرمایه‌داران نیز به ضد خود بدل می‌شود. آنها از نیروئی که آزاد کننده ملتها از قید فئودالیسم است به نیروئی که خشن‌ترین و بزرگترین ستم‌ها را به ملتها اعمال

گذراند. اعتلای مبارزات انقلابی در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ بار دیگر مارکس را به پهنه مبارزه طبقاتی فراخواند. در سال ۱۸۶۴ "جمعیت رفاقت بین‌المللی کارگران" (انترناسیونال اول) بنیان گذاشته شد. مارکس روح و جان این سازمان بود و نخستین پیام‌ها و قطعنامه‌ها و بیانیه‌های این سازمان را به نگارش در آورد.

گسسته باد همه وابستگی‌های اقتصادی، سیاسی نظامی، فرهنگی

# کارگران سراسر جهان ...

بقیه از صفحه ۱۰

## قبر کنی راه حل "انقلابی"

### شورای انقلاب برای

#### مشکل بیکاری

صبح شنبه ۱۶ فروردین ۵۹ گروهی از کارگران بیکار پس از مراجعات مکرر جلوی استانداری اجتماع نمودند. معاون سیاسی استاندار می گوید که ما نمی توانیم کاری برای شما انجام دهیم. کارگران که حدود ۲۰۰ نفر بودند، به سوی نخست وزیر راهپیمایی می کنند. در طول مسیر کارگران شعارهایی از قبیل:

"بنی صدر ایمنی صدر او همه وعید نون همیشه - کار باید ایجاد بشه" و یا "جنگیدیم و خون دادیم، چرا هنوز بیکاریم!" را می دادند. چند لحظه پس از اجتماع این کارگران بیکار جلوی نخست - وزیر حدود ۳۰۰ کارگر بیکار دیگر به آنها پیوستند و پس از آن گروهی از خانواده های شهدای "انقلاب" با زن و بچه به منظور گرفتن مسکن و مخارج زندگی به اجتماع کنندگان پیوستند. مشاور رئیس جمهور از بلندگوی داخل ساختمان اجتماع - کنندگان را تهدید نمود پس از تهدیدات مشاور رئیس جمهور، پاسداران مستقر در محل خواستند که دونفر از کارگران آگاه را که به تشریح وضع موجود پرداخته بودند، دستگیر کنند اما مقاومت کارگران نقشه آنها را نقش بر آب کرد. یکی از کارگران آگاه وضع خود را برای اجتماع کنندگان تشریح کرد و گفت: "در پی مراجعات مکرر، دو سه روز ما را فرستادند بهشت زهرا که قبر بکنیم و از این طریق برای چندروزی مشغول کار شدیم. گویا در حکومت جمهوری اسلامی تنها شغلی که از رونق نیفتاده، شغل قبر کنی است. معلوم است وقتی که می بینیم اجتماع کارگران بیکار در دورود و اندیمشک و بندرعباس، ماهشهر و نوشهر به خون کشیده می شود، وقتی دانشجویان دانشگاهها را کشتار می کنند و خلق کرد و ترکمن توسط ارتش و سپاه پاسداران کشتار می شوند طبیعی است که شغل قبر کنی پررونق باشد. حتما شورای انقلاب تصمیم دارد مشکل بیکاری را به این صورت حل کند!!"

اردوگاه سوسیالیسم جهانی، طبقه کارگر بین المللی و نهضت های آزادی بخش ملتی. این سه نیرو از آنجاکه در مقابل دشمن مشتعل - امپریالیسم جهانی و ارتجاع - قرار دارند جریان بطور عینی واحد و یکپارچه ای را تشکیل می دهند. روند انقلاب جهانی را مبارزه این سه نیرو با ضدانقلاب جهانی تشکیل می دهد.

این است چکیده آموزش مارکسیسم - لنینیسم در عصر ما. تکامل تاریخ رسالت رهایی تمام جامعه بشری را از قید تمام بندگی ها به عهد طبقه کارگر قرار داده است. یعنی دوران ما دورانی است که تنها کسانی می توانند واقعا میهن پرست و خواهان منافع واقعی اکثریت ملت باشند که انترناسیونالیست باشند. دوران ما دورانی است که هر گونه مقدم شمردن ناسیونالیسم بر انترناسیونالیسم منجر به امتیاز دادن به سرمایه دار خودی و سپس وابستگی به امپریالیسم بین المللی می شود. دوران ما دورانی است که دل بستن به کسب استقلال واقعی بدون در نظر داشتن چشم انداز سوسیالیسم و کمونیسم و مبارزه همزمان در راه آن یک اتوبی و خیال محض است.

اکنون با وجود اینکه بیش از صدسال از پیدایش مارکسیسم در عرصه اندیشه و مبارزه طبقاتی می گذرد، اصول جهانشمول آن پیوسته تازگی و طراوت بیشتتری می یابد و درستی و حقایقیت آن بیش از پیش آشکار گشته است. مارکسیسم و در عصر ما مارکسیسم - لنینیسم - یک تئوری صرف نیست. بلکه علم پیروزی طبقه کارگر علم رهایی انسان و علم استقرار سوسیالیسم است.

این است رمز موفقیت مارکسیسم که دشمنی تمامی غارتگران و استثمارکنندگان جهان و کلیه مرتجعین را به خود متوجه ساخته بطوری که تاب تحمل آن را ندارند. این است که نام مارکس و اندیشه های او همواره جاودان خواهد بود.

لنین با تحلیل دقیق و علمی دوران جدید به وحدت منافع پرولتاریای جهانی و خلق های تحت سلطه و ستم امپریالیسم در مبارزه با دشمن واحد پی برد و شعار "پرولتاریای همه کشورها و خلق های ستمدیده متحد شوید!" را که منطبق بر اوضاع دوران جدید بود مطرح ساخت. این شعار بیابان

برگزار کردند. علیرغم شکست کمون و شهادت حدود ۲۰ هزار نفر از مبارزین، اما درس های گرانمای آن برای طبقه کارگر بسیار ارزشمند بود. بطوری که به جرات می توان گفت. پیروزی انقلاب اکتبر بدون تجربیات کمون پاریس امکان پذیر نمی بود.

● پیام انقلاب کمون پاریس:  
"ما فراموش نخواهیم کرد که کارگران همه کشورها دوستان ما و مستبدان همه کشورها دشمنان ما می باشند."

عمیق تر شدن محتوای انترناسیونالیسم و گسترده تر شدن میدان عمل آن و تقویت نیروهای انقلاب جهانی از یک طرف و انفراد و ضعف نیروهای ضدانقلاب جهانی - امپریالیسم و ارتجاع - و تنگ تر شدن میدان عمل آنها از طرف دیگر بود. پیدایش اردوگاه سوسیالیستی پس از جنگ جهانی دوم باز هم محتوا و

ادامه فعالیت سازمان انترناسیونال اول در اروپا بعد از شکست کمون دیگر ممکن نبود و مارکس از کنگره انترناسیونال در لاهه (۱۸۷۲) انتقال شورای کل انترناسیونال به امریکا را عملی نمود. کارسنگین در انترناسیونال و کارسنگین تر تئوریک، سلامتی مارکس را به خطر انداخت اما علیرغم این او سعی داشت کتاب

● شعار لنین که منطبق بر اوضاع دوران جدید بود محتوای انترناسیونالیسم را عمیق تر ساخت. لنین اعتقاد داشت:  
"پرولتاریای همه کشورها و خلق های ستمدیده متحد شوید!"

میدان عمل انترناسیونالیسم پرولتری را - که مارکس بنیانگذار آن بود، غنی تر ساخته و شکل نوینی از آن را به ارمغان آورد. انترناسیونالیسم سوسیالیستی بیانگر روابط بین کشورهای سوسیالیستی می باشد و از وحدت ایدئولوژیک، یکسانیت نظام های اجتماعی، اشتراک منافع بنیادی آنها در مبارزه با امپریالیسم و کوشش برای ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم و بالاخره حرکت در جهت هم پیوندی و اشتراک و یگانگی اقتصادی که طبیعه اقتصاد واحد جهانی آینده است سرچشمه می گیرد. نیروهای انقلاب جهانی در این مرحله جدید از دوران ما عبارتند از:

کاپیتال را به پایان برساند. او سخت در این راه تلاش می نمود. اما بیماری به او مجال نداد و در منتهای فقر و تنگدستی بالاخره در روز ۱۴ مارس ۱۸۸۳ در روی صندلی خویش آرام درگذشت. اما اندیشه های مارکسیسم هر روز ابعاد گسترده تری یافت و راه مبارزات طبقه کارگر را روشن تر نمود. انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر اولین انقلاب سوسیالیستی پیروز مند جهان درستی و حقایقیت تاریخی اندیشه های مارکس را به ثبوت رسانید. لنین به عنوان مدافع جامعیت مارکسیسم و تکامل دهنده خلاق آن و بیابان کننده این اندیشه علمی در عمل، انقلاب روسیه را هدایت نمود و به پیروزی رسانید.

استثمارگران از همان آغاز ظهور طبقه کارگر و شروع مبارزه طبقاتی آنان وجود داشته، اما انترناسیونالیسم پرولتری به مثابه ایدئولوژی علمی بیانگر وحدت منافع طبقه کارگر ملت های مختلف تنها با پیدایش مارکسیسم به وجود آمد. با پیدایش مارکسیسم طبقه کارگر به عنوان یک نیروی واحد بین المللی به سلاح معنوی واحدی در مبارزه با دشمن واحد مسلح شد.

انقلاب کمون پاریس خصلت انترناسیونالیستی این نوع انقلاب ها را به خوبی نشان داد. در حالی که سرمایه داران فرانسه که در جنگ با آلمان بودند این کشور را از ترس انقلاب به سرمایه داران آلمان تسلیم کرده بودند، کارگران فرانسوی می گفتند:

"برادران آلمانی! جدائی ما تنها نتیجه اش پیروزی کامل استبداد در هر دو طرف را این است. کارگران همه کشورها! کوشش مشترک ما به هر کجا برسد در این لحظه ما اعضاء اتحادیه بین المللی کارگران که مرز برایمان معنی ندارد، آرزوها و سلاح های کارگران فرانسوی را به منزله عهد همبستگی گسست ناپذیر به سوی شما می فرستیم." و کارگران آلمان در پاسخ به آنها نوشتند:

"با توجه به شعار اتحادیه بین المللی کارگران - پرولتاریای همه کشورها متحد شوید" ما فراموش نخواهیم کرد که کارگران همه کشورها دوستان ما و مستبدان همه کشورها دشمنان ما می باشند."

کمون خصالت انترناسیونالیستی خود را حتی در ترکیب نمایندگان و مدافعینش نیز نشان داد. وزارت کار به عهده یک کارگر آلمانی و نیروهای مسلح در تحت رهبری دومیهن پرست لهستانی قرار گرفت. لهستانی ها، چک ها، آلمانی ها و روس ها به همراه فرانسویان در سنگرهای کمون جنگیدند. کارگران انگلستان و آلمان ایتالیا و روسیه برای همبستگی با کمون تظاهرات و میتینگ

## با امپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم امریکا

افشای کارکنان بانک مرکزی ایران

چگونه بعضی از مقامات مسئول

درآمد نفت را به حساب شخصی خود از کشور خارج می کنند؟

کارکنان مبارز بانک مرکزی اخیراً ارقامی را منتشر کرده اند که نشان می دهد چگونه ثروت ملی مردم زحمتکش ما به خارج منتقل می شود و چگونه در حالیکه زحمتکشان ما از گرانی رنج می برند، ثروت آنها به غارت می رود. ما عین این سند را چاپ می کنیم:

آقای معین فر و از محل درآمدهای ارزی نفت برای گسترش اسلام به خارج صادر می شود، پس از رسیدن به مقصد بلافاصله به حساب های شخصی آقایان نامبرده در بانک های اروپایی منتقل می شود.

به خیال خود پایان دادند. آری! آنها راست می گویند چون اسم آنها در هیچیک از حواله های ارزی یکسال اخیر دیده نمی شود ولی همکاران ما بدانند که حواله های زیر که با امضای

آیت اله بهشتی و موسوی اردبیلی قسم خوردند که نه ایشان و نه آقایان خامنه ای و چمران و رفسنجانی حتی یک ریال هم به صورت ارز از کشور خارج نکرده اند و بدین ترتیب ظاهراً به شایعات اخیر

ملت قهرمان ایران: یکبار دیگر وظیفه خود می دانیم که مطالب مربوط به غارت بیت المال مردم ستم دیده این سرزمین را به اطلاع همگان برسانیم. هفته پیش در شورای انقلاب، آقایان

حواله

دلارکانادا	۲۰۰۰۰۰۰	۶۷۳۲۹	انجمن اسلامی مونتreal	۱۷ اوت ۱۹۷۹
مارک	۶۲۴۰۰۰۰	۲۵۷۳۱	مسجد و مرکز اسلامی هامبورگ	۲۱ اوت ۱۹۷۹
لیره	۱۱۰۰۰۰۰۰	۹۷-الف	کمک به آوارگان جنوب لبنان	۲ اکتبر ۱۹۷۹
مارک	۳۰۵۰۰۰	۲۵۹۰۲	مبلغین اسلامی مونیخ و یاوران	۳۰ اکتبر ۱۹۷۹
۱۶۰۰۰۰۰۰ کرون سوئد	۷۳۰	۲۳۰	مساجد و مراکز اسلامی اسکندریه	۳۱ اکتبر ۱۹۷۹
مارک	۸۰۰۰۰۰۰	۲۵۹۸۴	مسجد و مرکز اسلامی هامبورگ	۱۹ دسامبر ۱۹۷۹
فرانک	۲۴۸۰۰۰۰۰	۱۱-۴۷۹۷	دفتر نهضت های آزادیبخش (پاریس)	۲۷ دسامبر ۱۹۷۹
فرانک	۱۱۰۰۰۰۰۰	۱۱-۴۸۰۹	دفتر نهضت های آزادیبخش (پاریس)	۱۶ فوریه ۱۹۸۰
فرانک	۶۵۰۰۰۰۰	۱۱-۴۹۱۱	دفتر جدائی خواهان فیلیپین (پاریس)	۱۱ مارس ۱۹۸۰
لیره	۲۱۷۰۰۰۰۰۰	۱۰۶-الف	نیروی هوایی سوریک (بانک لبنان)	۱۴ مارس ۱۹۸۰
مارک	۸۰۰۰۰۰۰	۲۶۳۲۱	مسجد و مرکز اسلامی هامبورگ	۱۹ آوریل ۱۹۸۰

اطلاع انجمن کارکنان بانک مرکزی ایران

مبلغی که در هر ماه به خارج می رود و تحت عنوان های مختلف ثبت می شوند، لذا ممکن است حواله های دیگری نیز تحت حواله های دیگری ثبت می شوند.

۱۷ اوت ۱۹۷۹	انجمن اسلامی مونتreal	۶۷۳۲۹
۲۱ اوت ۱۹۷۹	مسجد و مرکز اسلامی هامبورگ	۲۵۷۳۱
۲ اکتبر ۱۹۷۹	کمک به آوارگان جنوب لبنان	۹۷-الف
۳۰ اکتبر ۱۹۷۹	مبلغین اسلامی مونیخ و یاوران	۲۵۹۰۲
۳۱ اکتبر ۱۹۷۹	مساجد و مراکز اسلامی اسکندریه	۲۳۰
۱۹ دسامبر ۱۹۷۹	مسجد و مرکز اسلامی هامبورگ	۲۵۹۸۴
۲۷ دسامبر ۱۹۷۹	دفتر نهضت های آزادیبخش (پاریس)	۱۱-۴۷۹۷
۱۶ فوریه ۱۹۸۰	دفتر نهضت های آزادیبخش (پاریس)	۱۱-۴۸۰۹
۱۱ مارس ۱۹۸۰	دفتر جدائی خواهان فیلیپین (پاریس)	۱۱-۴۹۱۱
۱۴ مارس ۱۹۸۰	نیروی هوایی سوریک (بانک لبنان)	۱۰۶-الف
۱۹ آوریل ۱۹۸۰	مسجد و مرکز اسلامی هامبورگ	۲۶۳۲۱

اعلامیه شماره (۴) انجمن کارکنان بانک مرکزی ایران ۷ اردیبهشت ۱۳۵۹

نام های موجه فرهنگی و اقتصادی نیز به جیب آقایان سرازیر شود که پس از تحقیق و ردیابی نسبت به افشای آنها اقدام خواهد شد.

از آنجا که هزاران حواله در هر ماه به خارج می رود و تحت عنوان های مختلف ثبت می شوند، لذا ممکن است حواله های دیگری نیز تحت

# اعتراض کارکنان دولت به سیاست اختناق و سرکوب

در حالیکه برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، وحدت انقلابی، همافشار و طبقات خلق ضروری است، به توجیه سیاست سرکوب و اختناق پرداخته اند.

- مجمع عمومی نمایندگان شورای کارکنان شرکت مخابرات ایران
- شورای مرکزی کلانوار کارکنان وزارت کشاورزی و عمران روستایی
- جامعه کارکنان مرکز آمار ایران
- کانون کارکنان ترفیخواه بانک مرکزی ایران
- کارکنان متعهد و مبارز وزارت کشور
- کانون آزاد کارکنان بانک تهران (بانک ملت)
- شورای کارکنان نظام ایمنی هسته ای (سازمان انرژی اتمی)
- گروهی از کارکنان اخراجی کانون پرورش فکر کودکان و نوجوانان

باز خرید اجباری همکاران مبارز و اعاده حیثیت آنها بطور رسمی، تصفیه ادارات و سازمان ها از عناصر ساواک و عوامل مزدور و سرسپرده به رژیم گذشته که در جنایت و خیانت به ملت ایران شرکت داشته اند، و مجازات مسببین سرکوب مبارزات و حق طلبان انقلابی می باشیم و ادامه بی توجهی مسئولان به موارد یاد شده را عاملی در جهت گسترش و تعمیق ناراضگی ملت مبارز ایران و انحراف حرکت سازنده و انقلابی کارکنان ادارات و سازمانها تلقی می نمائیم.

- جامعه کارکنان سازمان برنامه و بودجه

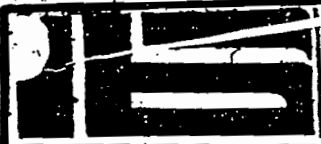
و مقابله و پایداری در قبال اقدامات سرکوبگرانه مسئولان می گذرد و علیرغم تمامی ادعاها، هیچگونه اقدام راستینی در جهت دادخواهی این گروه از همکاران ما به عمل نیامده است و در مقابل به ادامه و توجیه سیاست گسترش اختناق و سرکوب پرداخته اند.

با وجود طرح مسائل و موارد فوق با ریاست جمهوری و ارگان های مسئول تاکنون هیچگونه نتیجه مثبتی عاید نگردیده است. بنابراین ما کارکنان سازمان های زیر مصرانه خواستار آزادی فوری همکاران مبارز بازداشت شده لغو احکام انفصال، اخراج، تعلیق، بازنشستگی و

موقعیت نیز برای انحلال نهادهای مردمی استفاده نموده و حرکت ضد امپریالیستی توده مردم را بسوی سرکوب شوراها و اخراج نیروهای مترقی سوق دهند. اکنون مدتی است که از اقدام مسئولان در زمینه اخراج، انفصال، تعلیق، بازنشستگی و باز خرید اجباری و بازداشت موقت عده ای از همکاران مبارز و اعضاء شوراها شرکت مخابرات ایران، وزارت کشور کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، سازمان حفاظت محیط زیست و هواپیمائی ملی ایران و ... و بازداشت غیر قانونی تنی چند از همکاران وزارت کشور به اتهام ذکر واقعیات و بیان حقایق

هموطنان مبارز، همکاران! در حالی که مبارزات ضد امپریالیستی مردم میهنمان با خلق های محروم جهان هر روز گسترده تر می گردد، در حالی که وحدت انقلابی اقشار و طبقات مختلف مردم لازم مبارزه با امپریالیسم است، در حالی که باید با تمام قوای خود از طریق توسعه و تشکیل شوراها مردمی و هر نهاد انقلابی دیگر تمامی عناصر وابسته و مزدور ساواکی و بقایای رژیم منحط پهلوی را از صفوف خود طرد نموده و صفی نیرومند و سازش ناپذیر برای مقابله با امپریالیسم به وجود بیاوریم لیکن متأسفانه مسئولان می خواهند از این

## زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند



به دعوت ستاد سراسری برگزارکننده مراسم روز جهانی کارگر

## هزاران کارگر به نشانه همبستگی و اتحاد راهپیمایی کردند

تظاهرات همبستگی کارگران در روز اول ماه مه در سراسر ایران برگزار شد. در این روز به دعوت "ستاد سراسری برگزارکننده مراسم روز جهانی کارگر" به نمایندگی بیش از ۳۱ سندیکا و شورا و همچنین تشکل‌های منطقه‌ای، راهپیمایی کارگران از ساعت ۹/۵ صبح از میدان خراسان آغاز شد. در این راهپیمایی هزاران تن از کارگران تهران در صفوفی منظم شرکت کردند. کارگران پلاکاردهایی را که بیانگر اتحاد و همبستگی کارگران ایران علیه امپریالیسم و سرمایه‌داران داخلی و خارجی همبستگی و اتحاد کارگران ایران با کارگران سراسر جهان بود، حمل می‌کردند. شعارهای "بازوی همکارگر، ستون انقلاب است"، "شورای فرمایشی حامی سرمایه‌دار" "اتحاد، تشکیلات، اساس قدرت ماست"، "با قدرت کارگر، در سنگر شوراها علیه امپریالیسم" در سراسر

مسیر راهپیمایی طنین افکنده بود. صف راهپیمایان با متانت و نظم به طرف میدان شهدا و به سمت جاسوسخانه آمریکا پیش می‌رفت. در این بین و در همان آغاز راهپیمایی عدوهای از عناصر ضدکارگر سعی کردند تا راهپیمایی را متوقف کنند. این عناصر که به وسیله دشمنان طبقه کارگر یعنی سرمایه‌داران و دوستان و جاسوسان امپریالیسم تحریک شده بودند مذبحانسه کوشیدند تا با توسل به آشوب و اخلاص مانع از پیشروی صفوف فشرده و متحد کارگران شوند.

ولی کارگران باز در بازوی یکدیگر و با گام‌های استوار به طرف میدان شهدا پیش رفتند. کارگران تا پایان قرائت قطعنامه راهپیمایی مانع اجرای مقاصد تنگ‌نظرانه اوباش ضد کارگر شدند. قطعنامه ستاد سراسری برگزارکننده مراسم روز

جهانی کارگر، حاوی مهمترین و اساسی‌ترین خواست‌های کارگران و زحمتکشان ایران بود و قبل از هر چیز بر پیشبرد قاطعانه و پیگیرانه مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک مردم میهنمان تکیه داشت. رهوس مضامین قطعنامه‌ها این قرار بود:

"گسترش مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک کارگران و زحمتکشان با اتکاء بر سنگر شوراها قطع هرگونه وابستگی به امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا. تأمین آزادی‌ها و حقوق دمکراتیک توده‌ها، الغاء قوانین ضد کارگری موجود، اجرای ۴۰ ساعت کار طی ۵ روز در هفته کار برای بیکاران و مسکن برای همه زحمتکشان و... بالاخره تجدید میثاق کارگران و زحمتکشان ایران در اتحاد و همبستگی با کارگران و زحمتکشان سراسر جهان پس از پایان مراسم و

در حالی که کارگران پراکنده می‌شدند، دسته‌های اوباش که موفق به برهم زدن صف راهپیمایی نشده بودند، این بار با حمایت مستقیم پاسداران به کارگران حمله‌ور شدند. پاسداران با شلیک تیرهای هوایی اوضاع را آشفته تر نشان داده و متقابلاً به تحریک اوباش دامن زدند و حتی همراه با دسته‌های ضد کارگر به کارگران حمله کردند و چند تن از کارگران را با ضربات تفنگ به شدت مجروح کردند. کارگران در مقابل این حرکات وحشیانه با شعار "مرگ بر آمریکا، مرگ بر سرمایه‌دار" به اعتراض پرداختند. این راهپیمایی که نشانه‌ای از اتحاد و همبستگی کارگران و زحمتکشان بود، در عین حال جلوه‌ای از تلاش‌های مذبحانسه دشمنان این همبستگی را نیز در خود داشت. تلاش‌های مذبحانسه‌ای که بی‌انگروخت و هراس دشمنان طبقه کارگر از صفوف

متحد آنهاست. در اینجا نمونه‌هایی از دهها پلاکاردی که کارگران با خود حمل می‌کردند:

"مرگ بر امپریالیسم آمریکا دشمن خلق‌های جهان"  
 "شوراها سنگر اصلی مبارزه ضد امپریالیستی هستند"  
 "شوراهای مشورتی و فرمایشی خواست سرمایه‌داران است، نه کارگران"  
 "سرکوب خلق‌ها را در سراسر جهان محکوم می‌کنیم"  
 "کار فقط ۴۰ ساعت در ۵ روز هفته"  
 "قانون کار باید به وسیله نمایندگان واقعی کارگران تدوین شود"  
 "سنگر کارگران علیه امپریالیسم، تنهاسنگر شکست‌ناپذیر مبارزه است"  
 "مستحکم باد اتحاد و همبستگی کارگران و زحمتکشان سراسر جهان"

در راهپیمایی به مناسبت اول ماه مه

## سرود کارگران در خیابان‌های تبریز طنین افکند

به دعوت "ستاد مشترک برگزار اول ماه مه در تبریز روز پنجشنبه ۱۱ اردیبهشت راهپیمایی همبستگی کارگران و زحمتکشان برگزار شد. صبح سه‌شنبه میدان ارک تبریز میعادگاه کارگران و زحمتکشان و روشننگران انقلابی و ترقیخواه برای برگزاری راهپیمایی اول ماه مه بود. در این ساعت مقرر برای شروع راهپیمایی میدان ارک از جمعیت موج می‌زد. جمعیت حاضر در صفوف منظم و متشکل راهپیمایی خود را آغاز کرد. کارگران مسئول انتظامات راهپیمایی با بازوبند های قرمز، حفظ نظم را برعهده داشتند. از درون صفوف به هم فشرده و منظم کارگران، شعارها و سرودها با آهنگی محکم و رسا در فضا طنین افکند.

بیرلشین، بیرلشین، ایران کارگر لری - بیرلشاق بیرلشاق دنیان کارگر لری، بیونوشاق دیرشاق، امریکانین قبرین

قازاق یعنی "متحد شویم متحد شویم کارگران ایران متحد شویم کارگران جهان مبارزه کنیم، متحد شویم گور خود آمریکا را بکنیم". کارگران پلاکاردهایی حمل می‌کردند که بر آن نوشته شده بود:

"ما خواهان قطع تمامی وابستگی‌ها به امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا هستیم" و "مبارزه با امپریالیسم جدا از مبارزه علیه سرمایه‌داری نیست."

صفوف به هم فشرده راهپیمایان از میدان ارک خیابان‌های مسیر را طی کرده و به طرف کنسولگری سابق آمریکا پیش رفت. مردم در پیاده‌روها، پنجره‌ها و بام‌های خانه‌های مجاور سرود و شعارهایی که عزم آهنین کارگران را دربراندازی سلطه امپریالیسم بر ایران بیان می‌داشت تکرار می‌کردند. در نزدیکی کنسولگری سابق دستهای از اخلاک‌گران

حرفه‌ای با شعار "حزب فقط حزب‌الله" به صف کارگران یورش بردند اما با مقاومت کارگران توطئه آنان خنثی شد. در مقابل کنسولگری سابق تهاجم اوباش ضدکارگر شدت یافت ولی کارگران مبارز هشیارانه تهاجم آنان را دفع کردند. فریادهای حقیرانه و تنگ‌نظرانه مشتی اخلاک‌گرا رسوا در طنین صدای پرشکوه سروده‌ها و شعارهایی چون:

"اتحاد، اتحاد، زحمتکشان اتحاد علیه امپریالیسم." "در سنگر کارگر نه سازش نه تسلیم نبردها آمریکا... محو شد راهپیمایی همبستگی کارگران و زحمتکشان در طنین سرودهای شکوهمند همبستگی کارگری و با قطعنامه‌ای به مناسبت بزرگداشت عید جهانی کارگران به پایان رسید.

## اگر تلویزیون از نشان دادن حقایق به مردم نمی‌ترسید،

### از پیشنهاد کارگاه فیلم ایران استقبال می‌کرد

شورای سرپرستی سیمای جمهوری اسلامی ایران! در اخبار ساعت ۹/۳۰ دقیقه دوشنبه ۵۹۲/۱ سیمای جمهوری اسلامی اعلام شد که به علت ابری بودن هوا و جو اطراف دانشگاه گروه‌های فیلمبرداری تلویزیون قادر به تهیه فیلم نشدند.

برای کسانی که تا حدودی به کار فیلمبرداری خبری آگاهی دارند این دلائل بقدری بی‌پایه است که نیازی به توضیح ندارد.

"کارگاه فیلم ایران" با امکانات فنی و محدود خود بدون داشتن اکیپ‌های مجهز و هلی‌کوپتر و فرستنده سیار و میلیون‌ها تومان بودجه صرفاً بخاطر تعهدی که برای ثبت لحظات تاریخ‌ساز جنبش خلق‌های قهرمان ایران احساس می‌کند توانست است مقدار قابل ملاحظه‌ای از حملات وحشیانه پاسداران مسلح به دانشجویان بی‌دفاع ولی مصمم فیلمبرداری نماید.

چنانچه سیمای جمهوری اسلامی رسماً اعلام نماید که این فیلم‌ها را بدون هیچگونه سانسور از شبکه سراسری پخش می‌نماید یک نسخه از این فیلم در اختیار گروه پخش قرار خواهد گرفت.

کارگاه فیلم ایران رونوشت روزنامه‌های: کیهان - اطلاعات - جمهوری اسلامی نشریه کار - نبرد دانشجو - اندیشه آزاد

## پر توان باد جنبش طبقه کارگر پیش‌تاز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق‌های ایران

در برگزاری جشن اول ماه مه (روز جهانی کارگر) در سراسر ایران

# سرود میلیونها کارگر ناقوس مرگ سرمایه داری و سلطه امپریالیسم امریکا بود

پنجشنبه ۱۱ اردیبهشت، اول ماه مه، عید بزرگ کارگران سراسر جهان بود. هر سال در روز اول ماه مه کارگران سراسر جهان، حتی در شرایط اختناق و دیکتاتوری گردهم می آیند، تا اتحاد و همبستگی و رزم انقلابی خود را بر علیه امپریالیسم و سرمایه داری و استثمار، محکم تر و توفنده تر کنند. سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به مناسبت این روز بزرگ، مراسمی در میدان آزادی برپا کرد.



## گرامی باد اول ماه مه

اراده انقلابیون خلق هم رزم و پشتیبان خلق کرد است. ما با این هجوم وحشیانه به کردستان از روز ابتدا، مقابله کرده ایم مخالفت کرده ایم، اعتراض کرده ایم، محکوم کرده ایم و همچنان به مبارزه خود برای پایان دادن به این جنگ تجاوز کارانه ادامه خواهیم داد. ما می پرسیم مگر شهر سندج، مگر شهرهای کردستان، سرزمین دشمن ماست که آنرا بخیران می کنید؟ برای چه؟ این اعمال، این بمبارانها در خدمت چیست؟ چرا باید مردم به خاک و خون کشیده شوند؟ به کجا می خواهید بروید؟ چرا بس نمی کنید؟ اگر فکر می کنید که زیر فانتومها، زیر بمباران هلی کوپتر، خلق کرد از پای در خواهد آمد، اشتباه کرده اید. شما قطعاً شکست خواهید خورد، همانگونه که یکبار خوردید.

رفیق قرخ افزود: رفقا! میهن ما روزهای سختی را می گذراند. امپریالیسم امریکا دست به آخرین حیللهای خود زده است بلکه بتواند، خلق ما را از پای در آورد و آن را به شکست بکشاند. شکست توطئه های روزهای اخیر نشان داد که دیگر امپریالیسم امریکا، آن امپریالیسم سابق هم نیست، او دست به محاصره اقتصادی زده است، تهدید به تهاجم نظامی می کند، تا بلکه بتواند خلق ما را به بند کشد، اما جنبش انقلابی خلق، با قدرت تمام، آماده است تا هرگونه تهاجم نظامی را و هرگونه تحریم اقتصادی را به شکستی مفتضحانه تر از آنچه که هست بکشاند.

شکستهای اوپاش و رشکسته که از همان ابتدای گردهمایی مذبحخانه قصد داشتند مراسم را بهم بریزند، پیوسته با پرتاب سنگ می کوشیدند تا بلکه بتوانند توطئه های ضد کارگری و ضد انقلابی خود را عملی سازند. اما با اراده مصمم و مقاومت انقلابی مردم توطئه ها و تهاجمات این عناصر مزدور و اجیر شده های سرمایه داران و ارتجاع خنثی و نقش بر آب می شد. رفیق فرخ نگهدار سخنانش را چنین ادامه داد: خلق قهرمان کرد روزهای سختی را می گذراند و

قادر نخواهند بود جلوی حرکت تاریخ را بگیرند، پیروزی از آن خلقهاست. طبقه کارگر جهان، زحمتکشان رنجبر جهان، بوزه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا را به خاک خواهند مالید توطئه های امپریالیسم امریکا با شکست مواجه می شود و آن کسانی هم می خواهند این توطئه ها را دامن زنند و آن کسانی هم که می خواهند مبارزات خلق ما را به انحراف کشانند، باید بدانند که اراده رزمنده انقلابیون خلق و اراده رزمنده طبقه کارگر محکم تر از آن است که اجازه دهد این توطئه ها به ثمر برسد. ما در این روز بزرگ، در این روز که تمامی کارگران جهان آنرا جشن می گیرند، یکبار دیگر پیمان می بندیم که تا آخرین قطره خون خود در برابر امپریالیسم جهانی و تمامی عمال داخلی آن نبرد کنیم و تا لحظه پیروزی از پای ننشینیم. همه ی شما توطئه های روزهای اخیر امپریالیسم امریکا را به چشم دیدید. دیدید که آنها هیچکاری نمی توانند بکنند و روز بروز با شکستی بیشتر مواجه می شوند و تمام کسانی هم که مذبحخانه سعی می کنند که این مبارزه توفانزاتوقف شود، آنها هم هیچکاری نمی توانند بکنند. صحنه ای که شما امروز در ایمن میدان می بینید به خوبی بیانگر این واقعیت است که جنبش انقلابی خلق رو به اعتلا و گسترش است. شکست مفتضحانه آنتهائی که آنسوی میدان فریاد می کشند ( اشاره به چاقو داران و مزدوران) نشان می دهد که ما پیروز خواهیم شد.

بسی شدند. چند تن از عناصر اوپاش توسط انتظامات بازداشت شدند که از جیبها و زیر لباسهایشان چند عدد کارت و دشنه به دست آمد. مردمی که برای شرکت در جشن روز جهانی کارگر آمده بودند، با شور و اتحاد هرچه بیشتر و با روحیه ای انقلابی عظمت مراسم را حفظ کردند و یکپارچه شعار می دادند: در سنگر کارگر، نه سازش، نه تسلیم، نبرد با امریکا!

رفیق در ادامه سخنان خود چنین گفت: خلق قهرمان ویتنام ثابت کرد که امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا زبون تر از آن است که در برابر اراده خلقها، قدرت مقاومت و ایستادگی داشته باشد. خلقهایی که در همین ۵ یا ۶ سال گذشته از بندرها شده اند به ما می آموزند که ما پیروز خواهیم شد و جهان را به گورستان امپریالیسم بدل خواهیم کرد. نه روزهای تیره و تاریک گذشته، نه شلاقهای رژیم شاه و نه این هو و جنجالهای روزهای کنونی هیچکدام

از مرزهای ما نیست. امپریالیسم در وجود سرمایه دار و زمیندار متبلور می شود و به خوبی می دانیم که برای تحقق مبارزه با امپریالیسم در تمام زمینه های مختلف، نیاز به آن داریم که شوراها دهقانی بر اراضی کشور تسلط یابد. شوراها واقعی کارگری امور کارخانه ها را به دست گیرند. ادرچین سخنرانی رفیق حشمت، دسته های چماق دار از پشت میدان با پرتاب سنگ قصد برهم زدن مراسم را داشتند اما رفقای انتظامات و مردم این دسته های مزدور و شکست خورده را به عقب راندند. متأسفانه در این درگیریها چند تن از رفقای انتظامات و مردم بر اثر اصابت سنگ، مجروح شدند. که بلافاصله به وسیله تیم امداد که در محل حاضر بود، مداوا

تحت هر شرایطی و با هر چهره های طبقه کارگر ایران را از متحدین خود در سراسر جهان محروم کنند به این معنا است که می خواهند کارگران را در مقابل سیستم جهانی امپریالیسم و در مقابل تمام دیکتاتورهای جهان خلع سلاح کنند. رفیق حشمت در بخشی دیگر از سخنانش تهاجمات گسترده ای را که این روزها بر علیه شوراها کارگری و دهقانی اعمال می شود، برشمرد و چنین گفت: تا زمانی که این تهاجمات ادامه یابد و تا مادامی که مالکیت زمین در دست زمینداران بزرگ و سرمایه داران وابسته به امپریالیسم است، نمی توان دم از عدالت، مساوات، برادری و یا مبارزه با امپریالیسم زد زیرا که امپریالیسم خارج

پس از سخنرانی رفیق حشمت، دوسرود خوانده شد و در پی آن هدیه یک رفیق کارگر که آرم سازمان بود در معرض دید قرار داده شد. این رفیق کارگر آرم سازمان را روی یک ورقه مسی بزرگ حک کرده بود و آن را به مناسبت مبارزات خونین سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به سازمان هدیه داد. رفیق کارگر همراهِ با هدیه خود در نامه ای چنین نوشته بود:

**هدیه یک رفیق کارگر**

پس از سخنرانی رفیق حشمت، دوسرود خوانده شد و در پی آن هدیه یک رفیق کارگر که آرم سازمان بود در معرض دید قرار داده شد. این رفیق کارگر آرم سازمان را روی یک ورقه مسی بزرگ حک کرده بود و آن را به مناسبت مبارزات خونین سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به سازمان هدیه داد. رفیق کارگر همراهِ با هدیه خود در نامه ای چنین نوشته بود:

با درود آتشین به تمام رفقای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، یک عدد آرم سازمان که نشانه مبارزه سرسختانه تمام رفقای سازمان چه شهید و چه زنده، که جان برگف نهاده و در دشت و بیابان، در زندان و در میدانهای تیر در راه آرمان طبقه کارگر، علیه دیکتاتوری شاه و امپریالیسم جهانی مبارزه کرده اند، تا پرچم

همگامی با نهضت مقاومت خلق کرد وظیفه مبرم همه نیروهای مبارز و انقلابی ایران است

# سرود میلیونها کارگر...

بقیماز صفحه ۱۲

بین طبقات برقرار است. وقتی کارگر را سرمایه‌دار استثمار کند، وقتی این دزدی، این غارتی که سرمایه‌دار از کارگر می‌کند وجود دارد فرهنگ جامعه هم متناسب با این دزدی متناسب با این جنایت ها

خود نشانه آن است که این توطئه‌ها، این بسبب گذاری‌ها، تلافی‌های مذبحانهای است که قطعا با اراده انقلابی شما خاموش خواهد شد. باید اضافه کنم در روزهای اخیر تبلیغات زهرآگین برای بدبین کردن مردم نسبت به نیروهای انقلابی و سابقه و عزم انقلابی آنها از شبکه رادیو و تلویزیون پخش شد. اما امروز تهران چهره دیگری داشت. چهره‌ای به دفاع از کارگران و زحمتکشان و جمعیتی که امروز در این میدان است نشانگر آن است که آن تبلیغات رادیو تلویزیونی هرگز اثری نخواهد داشت.

اگر یک سال گذشته را مرور کنیم و ببینیم که طی این یکسال چه تحولاتی در میهنمان رخ داده است، قطعا قادر خواهیم بود چشم‌انداز آتی را در پیش روی خود ترسیم کنیم. چشم‌انداز آتی قطعا روزهای پیروزمند و روزهای بدبختی و

زبونی امپریالیسم جهانی و حامی داخلی آن خواهد بود. بیکاری گران، بعنوان مظهر بزرگترین مشکلات اقتصادی میهنمان، گرچه اکنون در اوج است، گرچه همچنان ادامه خواهد یافت ولی با پیروزی کامل بر امپریالیسم آمریکا، هم بیکاری را به گور خواهیم سپرد، هم گرانی را، هم بی‌سوادی را، هم بی‌فرهنگی را. شعار هر فدائی: استقلال، کار

میکن آزادی است (حمیت شعار را همراهی کرد) و ما آنگاه که استقلال کار - مسکن و آزادی را برای خلقمان تدارک دیدیم فرهنگ استعماری را نیز از جامه‌مان خواهیم زدود. رفیق فرخ در ادامه سخنانش به وقایع روزهای اخیر دانشگاه‌ها اشاره کرد و گفت:

" همه شاهد بودیم که تحت عنوان انقلاب فرهنگی چه فاجعه‌ای آفریده شد، چه چیزها که پشت انقلاب فرهنگی نهفته نبود، چه نقشه‌ها که وجود نداشت که با شکستی مفتضحانه روبرو شد، البته به قیمت جان دهها رفیق دانشجوی و کارگرما. پادشاه گرامی باد. این انقلاب فرهنگی که راه انداخته بودند، از دو حالت خارج نیست: یا جهل است یا عوامفریبی. جهل به این مضمون که فرهنگ هر جامعه ریشه در روابطی دارد که

چشم‌انداز روشنی می‌بینیم. در ترکیه نیز جنبش انقلابی رو به اعتلاست. هر روز مطبوعات خبر از گسترش مبارزه در ترکیه می‌دهند. رفیق در پایان این بخش از سخنان خود، ضمن اشاره به مبارزات مردم افغانستان و پاکستان تاکید کرد که مبارزه خلق افغانستان نیز در برابر فتودال‌های پوسیده و امپریالیست‌های آمریکائی

مسیرهای برگشت شعار "اتحاد" را می‌خواندند و می‌رفتند. در حاشیه برگزاری باشکوه میتینگ، دسته‌های اوپاش بنام حزب الله با پرتاب سنگ و گاهی چاقو کشی سعی کردند نظم جمعیت را به هم بریزند ولی رفقای انتظامات با هوشیاری تمام تلاش می‌کردند، دسته‌های حزب الله



همه مشتها گره‌خورده و بر قدرت بسوی امپریالیسم جهانی بسرزدگی امپریالیسم آمریکا " ایران را گورستان آمریکا می‌کنیم "

دیگر مرتجعین منطقه قطعاً پیروز خواهد شد. رفیق با جمله: "کارگران سراسر جهان متحد شوید، این است پیام ما" سخنان خود را به پایان برد. با پایان گرفتن سخنرانی سرود انترناسیونال پایان یافت و انبوه جمعیت شرکت کننده با شعار: "برچیدن شورها، خلق سلاح مردم علیه زحمتکشان به نفع امپریالیسم" میدان را ترک کردند. گروه‌های شرکت کننده در

که نتوانسته بودند دستورات اربابان خود فروخته خود را عملی کنند پس از اتمام میتینگ در خیابان آزادی با چماق‌های یک شکلی که همراه داشتند و همچنین با پرتاب سنگ و آجر مانع عبور جمعیت از خیابان آزادی شدند ولی سیل خروشان جمعیت آنان را عقب راند و بالاخره اوپاشان خود راه کبوسک‌های کتابفروشی‌های مقابل دانشگاه رسانده و با حمله به کتابفروشی‌ها و کبوسک‌ها، آنان که نتوانسته بودند جشن کارگری را تحمل کنند، جشن کتابسوزان خود را بر پا داشتند.

## پیام‌های ارسالی به مراسم اول ماه مه

- ۱- پیام هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران میانه.
- ۲- پیام جمعیت کردهای مقیم مرکز.
- ۳- پیام دانشجویان پیشگام.
- ۴- پیام هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - رشت.
- ۵- پیام سازمان احیاء جنبه آزادیبخش ترکیه.
- ۶- شعری از یک کارگر بیکار.
- ۷- معلنان پیشگام.
- ۸- نامه یک رفیق کارگر همراه با آرم مسین کار خود رفیق.
- ۹- فدائیان خلق لر و گروهی از کارگران و دانشجویان لر مقیم مرکز.
- ۱۰- شعری از یک رفیق
- ۱۱- پیام دانشموزان پیشگام.
- ۱۲- پیام ستاد شوراهای خلق ترکمن.
- ۱۳- پیام خانواده شهدای فدائی خلق ایران.
- ۱۴- پیام هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - قائم شهر.
- ۱۵- پیام هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - سیاهکل.
- ۱۶- پیام دانشموزان پیشگام شریعتی.
- ۱۷- گروهی از کارگران پهنانی پالایشگاه تهران - هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران.
- ۱۸- کارگران پیشره راه آهن.
- ۱۹- گروه کوهبان

## بزرگداشت اول ماه مه در جهان

میلون‌ها نفر در سراسر جهان روز جهانی کارگر را جشن گرفتند و به همین مناسبت مراسم ویژه‌ای در کشورهای مختلف برپا شد که در برخی با خشونت همراه بود. در مسکو صدها هزار تن از مردم شوروی در میدان سرخ مسکو که از گل پوشیده شده بود رژه رفتند. رژه روندگان پلاکاردهایی با خود حمل می‌کردند که بر روی آنها نوشته شده بود:

زنده باد صلح در زاین در روز اول ماه مه ۶ میلیون زاینی برای اعتراض به تورم در سراسر زاین دست به تظاهرات زدند. در توکیو قریب به ۵۰۰ هزار تن در یک گردهمایی خواستار افزایش حقوق کارگران به علت افزایش تورم در زاین شدند. در تظاهرات اول ماه مه کارگران زاین شعارهایی علیه فساد سیاسی و همچنین علیه دولت داده شد. (روز اول ماه مه در زاین یک تعطیل ملی نیست اما کارگران خود این روز را تعطیل می‌کنند.)

در اسلو پایتخت نروژ تظاهرات روز اول ماه مه با خشونت همراه بود و حدود دو هزار نفر از مردم مدت شش ساعت با نیروهای پلیس زد و خورد کردند که به دستگیری عده زیادی از آنها منجر شد.

در صنعا کارگران در این روز موفق شدند حقوق سندیکائی جدیدی کسب نمایند. در السالوادور انقلابیون کمونیست برای مدت کوتاهی چند ایستگاه رادیویی را اشغال کردند و از تمام گروههای سیاسی و مترقی خواستند به تظاهرات روز اول ماه مه علیه رژیم نظامی دست نزنند امپریالیسم آمریکا بپیوندند.

در شیلی نیز کمونیست‌ها و گروههای مترقی خواستار تظاهرات گسترده علیه رژیم نظامی این کشور شدند. حدود ده هزار دانشجو در شهر تانجون در یک راهپیمائی سه کیلومتری در مرکز شهر، خواهان لغو حکومت نظامی در کشور شدند. دانشجویان سپس ادر مرکز شهر دست به تحصن زدند و در درگیری با پلیس ضدخلقی این کشور در خارج محوطه دانشگاه خودروهای پلیس را آتش زدند. بیش از ۱۵۰۰ دانشجو در سئول با پلیس رژیم کره جنوبی به زد و خورد پرداختند و عده بهشتاری بر تظاهراتکنندگان از سوی پلیس بازداشت شدند.

منوع اعلام کرده بودند. در سوزمین فلسطین تحت اشغال رژیم صهیونیست اسرائیل دهها هزار کارگر به مناسبت روز اول ماه مه در میادین مرکزی شهرها به عنوان اعتراض به سیاست‌های رژیم ضدخلقی اسرائیل اجتماع کردند اما دولت اسرائیل این تظاهرات را ممنوع اعلام کرد و پلیس فاشیستی‌اش را برای سرکوبی زحمتکشان به مراکز گردهمایی اعزام کرد. مقامات دولتی اسرائیل در توجیه علت ممانعت از برگزاری این مراسم گفتند: "کارگران با رسوم روز اول ماه مه آشنائی ندارند!" در سوئد بیش از هشتصد هزارتن از کارگران از روز اول ماه مه بطور نامحدود دست به اعتصاب زدند و بدین ترتیب فعالیت تمام صنایع دولتی و خصوصی متوقف شد بسیاری از کارگران و کارکنان هتل‌ها و رستوران‌ها و نیز پانزده هزار نفر از کارکنان شهرداری هم به اعتصاب پیوستند. اما مقام‌های اتحادیه‌های کارگری اعلام کردند که غذا و سوخت در تمام طول اعتصاب در اختیار همگان قرار می‌گیرد. کارگران خواهان ۱۱٪ اضافه حقوق هستند.

رهبران اتحادیه‌های کارگری نیمه شب اول ماه مه پس از آنکه گفتگوهای با کارفرماها بی‌نتیجه ماند، خواستار اعتصاب کارگران شدند. در کوهن سوئی دانشجوین انقلابی در روز جهانی کارگر به عنوان هسته‌ای با کارگران (که اجازه برگزاری روز اول ماه مه نداشتند) حکومت نظامی در این کشور را نادیده گرفته و در سئول و هم چنین در شهر تانجون در ۱۵۰ کیلومتری جنوب سئول، با پلیس ضدخلقی رژیم سئول به نبرد پرداختند. این دانشجویان تظاهرات دانشجویی پس از قتل پارک جونگ می رئیس جمهوری سابق کره جنوبی در اکتبر سال ۱۹۷۹ محسوب میشود. حدود ده هزار دانشجو در شهر تانجون در یک راهپیمائی سه کیلومتری در مرکز شهر، خواهان لغو حکومت نظامی در کشور شدند. دانشجویان سپس ادر مرکز شهر دست به تحصن زدند و در درگیری با پلیس ضدخلقی این کشور در خارج محوطه دانشگاه خودروهای پلیس را آتش زدند. بیش از ۱۵۰۰ دانشجو در سئول با پلیس رژیم کره جنوبی به زد و خورد پرداختند و عده بهشتاری بر تظاهراتکنندگان از سوی پلیس بازداشت شدند.

# بسیج مسلح توده‌ها ضامن پیروزی خلقهای ماست



جشن اول ماه مه در میدان آزادی پرشورترین و پرشکوهترین میتینگ سازمان با قدرتی بی مانند برگزار شد.

## کارگر

دانستام ،  
صدای رسای عشق  
آن قامت بلند تناور را  
تا اوج مهربانی و ایثار  
تا شوکت حماسه و خون -  
خواهد برد

وقتی شگوه روشن آگاهی  
با جان و با جهان خروشان خلق من  
پیوند پر شکوفه‌ای می‌بندد  
زیبایی مبارک قلبی بزرگ را  
در پیشگاه هستی تاریخ می‌برد  
دانستام ،

صدای رسای عشق  
زیبایی حقیقت فردا را  
در قلب گارخانه و در قلب بزرگر  
با گار و با حمایت نام تو -  
خواهد گفت

دانستام ،  
صدای رسای تو  
زیباتر از همیشه خواهد بود .

بمناسبت سالگرد تولد کارل مارکس

## ”کارگران“ سراسر جهان یک دشمن مشترک دارند:

## سرمایه‌داری

۱۰ صفحه

## دسیسه‌های دشمن برای لوٹ کردن مبارزات مردم

خرابکاری در تاسیسات نفت ، بمب گذاری در اماکن پرجمعیت شهرهای بزرگ و سایر اقدامات تروریستی و خرابکارانه‌ای که تاکنون دهها تن از مردم میهن ما را مجروح و به کشتن داده است ، شش‌های طراحی شده‌ای است که از جانب دشمنان انقلاب ایران و برای لوٹ کردن مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک زحمتکشان میهن ما هدایت می‌شود .

آخرین نمونه این اقدامات ، گروگان‌گیری کارکنان سفارت ایران در لندن بود که مشخصا برای بی‌اعتبار ساختن مبارزات ضدامپریالیستی خلق‌های دلاور ایران به ویژه خلق عرب ایران و ایجاد نفاق میان خلق‌های ایران تدارک دیده شده بود . ما اینگونه اعمال خرابکارانه و تروریستی را قویا محکوم می‌کنیم و مجریان آن را عناصری بی‌دانییم که مشخصا به منافع امپریالیسم خدمت می‌کنند .

## صلح در کردستان بنفع زحمتکشان ...

بقیه از صفحه ۱



گوشه‌ای از فجایعی که ارتش و پاسداران در کردستان پیا پیا کرده‌اند. کودکی خردسال قربانی خمپاره‌های امریکائی که بر سر مردم شهر سنندج باریده‌اند .

سربازانی که در جریان جنگ اخیر به مردم کردستان پیوسته‌اند می‌گفتند :  
” این ارتش هیچگاه نشد که با یک دولت خارجی بجنگد ، از وقتی که ما این ارتش را می‌شناسیم همیشه بقیه در صفحه ۳

کردستان درک کنند و اینجا و آنجا تمام تلاش خود را به عمل می‌آورند تا مردمی را که برای به دست آوردن حقوق خود به پا خاسته‌اند زیر آتش بمب‌ها و مسلسل‌ها بگیرند و از این رهگذر موقعیت خود را استحکام بخشند .

نماینده‌ای برای آتش‌بس ، مخالفت ارتش و سپاه پاسداران با آتش‌بس ، تنها گوشه‌ای از این حقیقت را که چه کسانی خواهان جنگ و چه کسانی خواهان صلح هستند برملا می‌سازد . جنگ تحمیلی اخیر نیز ، باردیگر اثبات کرد که بدون توجه به خواست‌های عادلانه مردم کردستان که در چارچوب طرح ۲۶ ماده‌ای هیئت نمایندگی خلق کرد اعلام شده است ، هیچ نیروئی نمی‌تواند کاری از پیش ببرد . این جنگ‌باردیگر اثبات کرد که تنها دشمنان مردم ما و در راس آن فرماندهان ارتش جمهوری اسلامی هستند که نمی‌توانند زبان صلح و مذاکره را برای پایان دادن به بحران

خاک میهن ما تجاوز می‌کنند هواپیماها و هلی‌کوپترهای ارتش جمهوری اسلامی کردستان را بمباران می‌کنند در آغاز مخاصمات اخیر هم فرماندهان ارتش بودند که به بهانه مانورهای نظامی به گسترش جنگ در کردستان دامن زدند و بار دیگر جنگ تمام عیار را به مردم کردستان تحمیل کردند . گذشته از هشدارها و کوشش‌هایی که از آغاز جنگ تحمیلی اخیر ، هیئت نمایندگی خلق کرد برای جلوگیری از گسترش جنگ به عمل آورد ، در جریان قتل و کشتارهای وحشیانه‌ی هفته‌های اخیر نیز ، هیئت نمایندگی از هیچ کوششی برای جلوگیری و قطع جنگ کوتاهی نکرد . پیش قدم شدن هیئت

امروز در هر شهر و روستای کردستان ، اسناد رسوایی و زبونی سرکوبگران به چشم می‌خورد . خانه‌های ویران شده ، مادران داغ‌دیده ، شهدای به خون خفته و هزاران زخمی که کمترین دسترسی به پزشک و دارو ندارند . شهرها و روستاهای سوخته و دودگرفته که از هر جای آن بوی خون و باروت برمی‌خیزد ، همه و همه هدیه کسانی است که جنگ اخیر را به خلق کرد تحمیل کردند . تحمیل جنگ به خلق کرد ، علاوه بر سرکوب انقلابی‌ترین و ضدامپریالیست‌ترین نیروهای سیاسی ، متوجه مشرف ساختن مبارزات ضد امپریالیستی مردم ما است . در شرایطی که هواپیماها و هلی‌کوپترهای امریکائی به

## پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر